

Qualitative Study of Job Identity Based on the Existential Components of Beginner Family Counselors

Milad Saeidi 

PhD Student in Counseling, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

Hossein Keshavarz Afshar 

Assistant Professor of Counseling, University of Tehran, Tehran, Iran

Ebrahim Naeimi 

Assistant Professor Department of Counseling Faculty of Psychology & Educational Sciences Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

The purpose of this research was to qualitatively investigate the occupational identity based on the existential components of new family counselors. In order to identify the effective factors in the job identity of novice family counselors based on existential components, the grounded theory method was used. Data collection was done using in-depth interviews conducted by the researcher. In this study, in order to know the effective factors in the existential components of novice family counselors, all novice family counselors in Tehran in 1400-1401 were considered as the research population. The results of the research were determined in the form of 58 open codes, 9 central codes, and 2 selective codes, which indicated that touching existential concerns such as death, meaning, loneliness, authenticity, freedom, and responsibility, along with the dimensions of occupational identity, play an effective role in It provides the formation of the identity of the counselors.

Keywords: Identity, Job, Job Identity, Existential Components, Novice Family Counselors.

This article is an excerpt from a PhD on counseling.


* Corresponding Author: Keshavarz1979@ut.at.ir

How to Cite: Saeidi, M., Keshavarz Afshar, H., Naeimi, E. (2023). Qualitative Study of Job Identity Based on the Existential Components of Beginner Family Counselors, *Journal of Culture of Counseling and Psychotherapy*, 14(55), 33-68.




بررسی کیفی هویت شغلی مبتنی بر مؤلفه‌های وجودی مشاوران تازه کار خانواده


دانشجوی دکتری تخصصی رشته مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

میلاذ سعیدی 

استادیار مشاوره، دانشگاه تهران، تهران، ایران

حسین کشاورز افشار  *

استادیار مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

ابراهیم نعیمی 

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی کیفی هویت شغلی مبتنی بر مؤلفه‌های وجودی مشاوران تازه کار خانواده بود. برای شناسایی عوامل مؤثر در هویت شغلی مشاوران تازه کار خانواده مبتنی بر مؤلفه‌های وجودی، از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شد. گردآوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های عمیق مطرح شده توسط پژوهشگر انجام شد. در این مطالعه به منظور آگاهی از عوامل مؤثر در مؤلفه‌های وجودی مشاوران تازه کار خانواده کلیه مشاوران تازه کار خانواده شهر تهران در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ به عنوان جامعه مورد پژوهش در نظر گرفته شدند نمونه‌گیری به روش هدفمند بوده و شرکت کنندگان واجد ملاک‌های ورود به پژوهش بودند. نتایج تحقیق در قالب ۵۸ کدباز، ۹ کد محوری و ۲ کد انتخابی مشخص شد که بیان‌گر این بود، لمس دغدغه‌های وجودی چون مرگ، معنا، تنهایی، اصالت، آزادی و مسئولیت در کنار ابعاد هویت شغلی نقش مؤثری را در شکل‌گیری هویت نومشاوران فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: هویت، شغل، هویت شغلی، مؤلفه‌های وجودی، مشاوران تازه کار خانواده.

مقدمه و بیان مسئله

هویت^۱ از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، روانی، فرهنگی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دخالت دارد و آن‌ها را در یک ظرف مکانی و زمانی معین به‌طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آن‌ها متمایز می‌کند (آزادی، رباطی، ۱۳۹۷).

تغییرات دوره نوجوانی و مشکلات مربوط به آن را هویت‌یابی توصیف می‌گویند. اریکسون رشد هویت را ناشی از بحران‌های گذرای هویت می‌داند و بر این باور بود که در نوجوانی این اختلال‌ها می‌توانند به‌صورت گذرا و با حالت‌های روان رنجوری یا حتی روان‌پریشی خود را نشان دهند. بر پایه نظریه اریکسون کاوش، قلب دوره انتقال است. در میان نظریه‌های، نظریه وی کاوش هویت همان بحران هویت است (اریکسون، ۱۹۸۰). البته که با توجه به حضور شبکه‌های مجازی مسئله بعد تازه‌ای نیز یافته است و سبک زندگی دچار استحاله شده است (شهبازی، میر هاشمی و ابوالمعالی الحسینی، ۱۴۰۱). سردرگمی در حوزه هویت به نوجوانی نیز ختم نشده و آثار مصیبت‌بار خود را تا جوانی و ازدواج نیز به بار آورده است، دیلورز، ۲۰۲۲).

حال یکی از انواع مهم هویت اجتماعی^۴ در واقع هویت شغلی^۵ است انسان بخش زیادی از ساعات عمر خود را در رابطه با شغل و محیط شغلی خود صرف می‌کند اهمیت هویت شغلی و بررسی آنجایی است که ارتباطات اجتماعی و بیرونی هر فردی وابسته به میزان و کیفیت نوع ارتباط بشر در شغل است (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۷). چنانچه هویت شغلی به شکل درستی ایجاد شده باشد تضمین‌کننده پیشرفت و بهروزی آحاد بشریت است چراکه

-
1. identity
 2. Erikson, E.h
 3. Delores,S
 4. Social identity
 5. job identity
 6. job

کیفیت آن بر پیشرفت شاخص‌های فردی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی مؤثر است (امین بیدختی، جعفری و مرادی مقدم، ۱۳۹۵).

محققان معتقد هستند در بررسی ابتدایی هویت شغلی هر شخص با پنج سؤال روبه‌رو

می‌شود:

۱- چه کاری را خوب انجام می‌دهید؟ ۲- از چه چیزی لذت می‌برید؟ ۳- چه چیزی بیشتر از همه مفید است؟ ۴- چه چیزی باعث ایجاد احساس پیشرفت و حرکت روبه‌جلو در شما می‌شود؟ ۵- چگونه با دیگران ارتباط برقرار می‌کنید؟ (موسسه مطالعات اقتصادی هاروارد، ۲۰۲۲).

مشاوره طراحی زندگی و به‌طور کلی همان نظریه‌سازمانی سازه‌ها مسیر شغلی^۱، بیشتر به سازه‌ها و تجارب ذهنی افراد تأکید می‌کند. منظور از سازه‌های ذهنی همان معنادادن به تجارب است، افرادی در مسیر شغلی خود دچار مشکل می‌شوند که معنای منسجم و مشخصی ندارند و یا معنا و مفهوم کارآمد و مؤثری نسبت به تجارب خود ندارند. در جامعه فرامدرن امروزی، با توجه به تنوع مشاغل و نبود شغل‌های ثابت و سردرگمی در انتخاب شغل و ایجاد اضطراب و ناامنی، شاید بتوان گفت کاربرد مشاوره طراحی زندگی و بیان داستان‌های شغلی زندگی در شناخت بهتر و عمیق‌تر افراد از خود و قرارگرفتن در مسیر شغلی همخوان مفید واقع شود (حیدرنیا، کریمی و عباسی، ۱۳۹۷). به‌طور کلی در مشاوره چون هدف شکوفا شدن انسان و ابعاد انسانی است طراحی مدل‌هایی برای خود شکوفایی بیشتر اهمیت دارد چراکه یک مشاور خودشکوفا می‌تواند مراجعان را بیشتر و بهتر شکوفا سازد. (اصل دهقان، پور شهریاری، مهراندیش، ۱۴۰۰) البته باید توجه داشت گره خوردن مسائلی چون ازدواج و شغل در همان آغاز جوانی هویت را تا حدی سرگردان می‌سازد که از نظر رشد اجتماعی طبیعی است (شاهمرادی، زنده‌دل کلاتی و روشن، ۱۴۰۰).

1. Harvard Business School
2. counseling
3. Career path tools

اگر انسان در مواجهه با اضطراب‌های عمیق زندگی دچار خلأ وجودی نباشد و معنایی برای خود ساخته باشد که از اعماق وجود او نشأت بگیرد در واقع همان اصالت وجودی را کسب کرده است که تعریفی است از انسان سالم و کامل که مدنظر بنیان‌گذاران مکتب آگزیستانسیال است (یالوم، ۲۰۲۰). هر فردی آزادی را در انتخاب و پذیرش مسئولیت ناشی از آن در مراحل مختلف زندگی دارد پس در اینجا متوجه می‌شویم که دغدغه‌های وجودی چه ارتباط تنگاتنگی با لایه‌های هویت شغلی افراد دارد حتی به لحاظ ریشه اجتماعی که ویژگی مکتب وجودی نیز هست (یالوم، ۲۰۱۹).

با توجه به تعاریف موجود می‌توان نتیجه گرفت که در فرایند مشاوره به‌عنوان یک جریان تخصصی، مراجع خود را بیشتر می‌شناسد، چگونگی تصمیم‌گیری را می‌آموزد و سرانجام راه‌حل مناسب برای حل مشکل خود پیدا می‌کند بنابراین مشاور باید محیطی توأم با درک، همدلی و تفاهم به وجود آورد تا مراجع احساس امنیت نموده و مسائل خود را مطرح سازند مشاوران موفق افرادی مثبت و خوش‌بین هستند، می‌توانند روابط اجتماعی مطلوب برقرار کنند، ترکیب کاملی از تخصص و هنر دارند، دارای استقلال درونی‌اند و وابستگی نسبی به حوزه‌ی مشاوره دارند (ناصری، حسین پور و شفیع‌آبادی، ۱۳۹۹).

مشاوره خانواده نوعی روان‌درمانی است که کلیه اعضای خانواده و در برخی موارد اعضای خانواده گسترده (به‌عنوان مثال پدر بزرگ و مادر بزرگ) را شامل می‌شود. درمانگر یا تیمی از درمانگران چندین جلسه برای کمک به خانواده‌ها در مقابله با موضوعات مهمی که ممکن است در عملکرد خانواده و محیط خانه تداخل ایجاد کنند، وقت می‌گذارند (کاظمیان، ۱۳۹۵). باید توجه داشت مهم‌ترین مسئولیت دولت‌ها و خواسته ملت‌ها و جوامع معرفی چنین نظامی است که در آن اعضا به‌صورت گروه سازمان‌دهی شده و یک کل را می‌سازند (سعیدی، ۱۳۹۹). حال آنکه درباره مشاوران مدارس (حق‌شناس و ابوالمعالی، ۱۴۰۱) و اصول اخلاقی لازم در مشاوره (پناهی، ۱۴۰۰) چنین تحقیقاتی انجام شده است.

-
1. Existential voids
 2. Yalom, I
 3. family counseling

روش پژوهش

برای شناسایی عوامل (بسترهای) مؤثر در هویت شغلی مشاوران تازه‌کار خانواده مبتنی بر مؤلفه‌های وجودی، از روش نظریه مبنایی یا نظریه زمینه‌ای استفاده شد. در این روش، محقق علاقه‌مند به تولید نظریه، مدل و یا چارچوب مفهومی است؛ به‌خصوص زمانی که درزمینه‌ی پدیده مورد مطالعه اطلاع کافی وجود ندارد این رویکرد یک روش‌شناسی عمومی برای توسعه نظریه بر اساس گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها بوده و در طول فرایند تحقیق ساخته و پرداخته می‌شود (استراس و کوربین، ۱۹۹۰). گردآوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های عمیق جامع مطرح‌شده توسط پژوهشگر انجام شد. در این مطالعه به‌منظور آگاهی از عوامل مؤثر در مؤلفه‌های وجودی مشاوران تازه‌کار خانواده کلیه مشاوران تازه‌کار خانواده شهر تهران در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ به‌عنوان جامعه مورد پژوهش در نظر گرفته شدند. مکالمات افراد بر روی فایل صوتی ضبط سپس بر روی کاغذ پیاده شد. جهت تجزیه و تحلیل این مطالعه از روش سیستماتیک اشتراوس و کرین^۱ (۱۹۹۸) استفاده شد که شامل کدگذاری مفاهیم و شکل دادن به یک نظریه است. منظور از کدگذاری فنونی هستند که اشتراوس و کرین (۱۹۹۸) پیشنهاد کرده‌اند و شامل خرد کردن داده‌های برآمده از مصاحبه و یادداشت‌های ایجاد مقوله‌ها و مفاهیم و در کنار هم قرار دادن مقوله‌ها به شکلی است که به‌وضوح ارتباط بین مقوله‌ها با همدیگر را توجیه کند. در اجرا پیش از آغاز کدگذاری، مصاحبه‌های ضبط‌شده به‌صورت جزء‌به‌جزء روی کاغذ پیاده شده و کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام می‌شد. کدبندی و تعیین طبقات توسط محقق انجام می‌شد. مصاحبه‌ها در اتاق خلوت، به‌طوری که حریم افراد رعایت می‌شد، صورت گرفت. طول هر مصاحبه بسته به شرایط شرکت‌کنندگان حدوداً ۳۰ دقیقه بود. از جمله ملاحظات اخلاقی رعایت شده در این مطالعه، ۱- رعایت اصل رازداری ۲- رعایت اصل رضایت آگاهانه ۳- رعایت اصل عدم ضرر رسانی به مراجعین و نبود هرگونه آسیب

1. Strauss, A. and Corbin, J

2. Straus & Corbin

احتمالی در مطالعه ۴- تأکید بر حفظ هویت و حریم خصوصی مصاحبه‌شوندگان ۵- اولویت قرار دادن خواسته مصاحبه‌شوندگان در زمینه زمان و مکان مصاحبه (ابوالمعالی، ۱۳۹۸). به لحاظ ویژگی‌های دموگرافیک میانگین سن زنان ۳۳/۵ سال و میانگین سن مردان ۲۸/۱۶ سال بود. همچنین سه نفر دانشجوی دکتری و نه نفر فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد مشاوره خانواده بودند؛ و همگی ساکن تهران و در ۵ سال اولیه فارغ‌التحصیلی از مقطع کارشناسی ارشد هستند و همگی دارای پروانه سازمان نظام روان‌شناسی و یا تحت نظارت سوپروایز هستند. معیارهای ورود و خروج عبارت هستند از: ۱- تابعیت ایرانی داشته باشند و ساکن تهران باشند. ۲- در ۵ سال اولیه فارغ‌التحصیلی از مقطع کارشناسی ارشد مشاوره خانواده باشند. ۳- پروانه سازمان نظام روان‌شناسی داشته باشند و یا تحت نظارت سوپروایز باشند.

یافته‌ها

جدول ۱. کدهای باز استخراج‌شده از مصاحبه‌های پیاده شده

عبارات و کد مشارکت‌کنندگان	کدهای باز
اومده بحث هویت آینه من یاد گرفتم هویت من رو طبق دیدگاه‌های مشاوره‌ای که وجود داره طبق نظریه‌های مشاوره‌ای که وجود داره بشناسم مثلاً شما اگر بیاید بعد اگر بخوایم طبق نظریه ... باید و نیاید های هویت من رو بخوای بشناسی قطعاً شما باید از نظر علمی مطالعه کرده باشی. اگر بخوای هویت جنسی منو بشناسی قطعاً شما باید نظریه فروید رو خونده باشی ولی به طور کلی هویت اینجانب بعد از رشته مشاوره اینکه فهمیدم اینکه من باید بدونم برای دست یابی به هویت واقعی خودم هم باید بسیار مطالعه کنم (۶)	گره خوردن هویت شخصی و شغلی
موضوع بعدی راجع به هیجان‌ها به‌عنوان یک مشاور شخصاً یاد گرفتم که بیان احساسات خیلی به انسان میتونه کمک کنه تا اینکه احساسات خودمونو بریزیم درون خودمون و هیچ‌گونه فعل و انفعالی در مورد هیجان‌ها خودمون نداشته باشیم یعنی زمانی که احساسات ما بیان میشه قطعاً به راه حلی براش هست ولی آگه بریزیم درون خودمون ممکنه به صورت عقده‌هایی در آینده سرشو بیاره بالا و باعث بشه ما بیشتر اشتباه کنیم و بیشتر خطا کنیم و به نوعی ممکنه درگیر اختلالاتی مثل افسردگی استرس اضطراب بشم (۶)	تسهیل‌گری در ابرازگری هیجانی

عبارات و کد مشارکت‌کنندگان	کدهای باز
<p>من آگه یک روز مراجع می‌بینم همون روز باید اول برم به تخلیه انرژی منفی بکنم بعد وارد خونه بشم و به این نتیجه رسیدم که ساعت کاریمو کمتر بکنم یا فیلد کاریمو سمت آموزش ببرم که یخورده فشار کمتر بیاد ولی به صورت کلی اینکه هر روز یا هر هفته من یک تفریح برای خودم بزارم یا یک آیتم تخلیه انرژی برای خودم بزارم اون رو مد نظر دارم که فشار کمتر باشه روم (۹)</p>	<p>تنظیم بهتر هیجان‌ها و مدیریت استرس (تعادل یابی بهتر زندگی)</p>
<p>خیلی زود متوجه شدم که باید به صورت هر روز این کار رو انجام بدم یعنی من آگه یک روز مراجع می‌بینم همون روز باید اول برم به تخلیه انرژی منفی بکنم بعد وارد خونه بشم (۸)</p>	<p>آموختن تخلیه هیجانی مثبت</p>
<p>به این نکته رسیدم که افکار یا اعتقادات و باورهای هر کسی قابل احترامه (۶)</p>	<p>احترام قائل شدن برای تمامی انسان‌ها (پذیرش بی قید و شرط بیشتر انسان‌ها)</p>
<p>اها نه [نگاه من] من قضاوتی نیست گاهم یعنی قبل از اینکه مشاور هم بشم همینجور بودم نگاهم کمتر قضاوتیه حالا مشاوره رو من بیشتر تأثیر گذاشته بیشتر آینه که خب هست دیگه ... هست قضاوتی نیست بگم اقا به قول شما به سری دلایل جمع شده به سری شرایط جمع شده که این شده مثلاً این آدم نمیتونم قضاوتی ... این آدم این به سری تربیت و محیط به سری امکانات بوده به سری امکانات اجتماعی بوده و بعد (۸) من فک می‌کنم انسان توصیفه یعنی اصلاً نمیشه قضاوتش کرد حتی قضاوت در هر شکلی به نظرم غلطه در هر شکل و اینکه ما هر چیزی رو ما انسانیم و در هر لحظه ممکنه با یک محیط متفاوت با یک برخورد متفاوت به جور دیگه ای باشیم و نمیتونیم یکی دیگه رو توییح بکنیم (۹)</p>	<p>نداشتن نگاه قضاوت گرایانه و تلاش برای درک بیشتر</p>
<p>این آدم این به سری تربیت و محیط به سری امکانات بوده به سری امکانات اجتماعی بوده و بعد ... که این آدم این آدم شده دیگه حالا این آدم آگه رفتار بدی هم داره فک می‌کنم که قابل اصلاحه آگه ما شرایط رو این گذشته فراهم کنیم قابل اصلاحه... یعنی تغییر پذیری رو... فک می‌کنم اون تغییر پذیری خیلی مهمتره (۸)</p>	<p>باور به اصلاح پذیری و تغییر انسان‌ها</p>
<p>در فرایند تحقیقی که ما کردیم و درسایی که داشتیم میتونه باعث بشه اتفاقاً به نظرم گشودگی ذهنی ادما بسته بشه یعنی درسایی که ما خوندم اون طبقه بندیای ذهنی که به ما داده شده مثلاً برای انسان بالغ اختلالات رابطه ... (۱۰)</p>	<p>دوری از طبقه بندی کردن انسان‌ها در قالب اختلالات</p>
<p>حتی خیلی مسائل زندگی خودم که قبلاً شاید برام اذیت کننده بود خیلی برام صبورتر شدم من معروف بودم به صبوری ولی باز صبورتر شدم (۹)</p> <p>پذیرشم نسبت به اتفاقاً و اینا یکم فک می‌کنم اون صبور بودنم بیشتر شده صبرم اینکه حالا چالش‌ها رو تحمل چالش‌ها برام راحت تر شده اون یکم سر سخت تر شدم</p>	<p>صبورتر شدن</p>

عبارات و کد مشارکت‌کنندگان	کدهای باز
در مقابلش فک می‌کنم این اون تغییریه که برام اتفاق افتاده (۱۲)	
به نظرم کسب کردم مثلاً من بحث رازداری نمیدونم گوش دادن و... اینا خب قبل از اینکه مشاور بشم که نمیدونستم به چیزای مهارتی تخصصی مشاوره ست (۸)	رعایت اصول اخلاقی در ارتباطات
<p>مثل آقای رولو می‌وندوزن و بویر و هرکدوم از اینا خب اینا اعتقادشون بر آینه که مشاور و مراجع قبل از جلسه با مشاور و مراجع بعد از همون جلسه متفاوتن این تغییر پذیری و این جهش بیرونه و این بیرون جهیدنه جاییه که ما بهش دقت می‌کنیم و اگر این اتفاق نیفته پس داره به جای کار ما در این ارتباطه میلنگه... [در ارتباط درمانی] هم توی مراجع تغییر بکنی هم من مشاور (۳)</p> <p>یه تغییر و تحولاتی در خود فرد مشاور ایجاد میشه حالا فک کنم فقط به من بر نمیگرده برای همه مشاورا فک کنم این اتفاق بیفته برای خود من که این اتفاق افتاد چون تو حوزه خانواده هستم (۴)</p> <p>این خیلی مهمه به‌عنوان یه انسان مخصوصاً برای ما که مشاوره میدیم خب کارمون عملاً رنجه خیلی جاها داری از رنج مردم پول در میاری برای زندگی و انجام کار این خیلی مهمترم هست که در واقع این شاید به ما کمک بکنه بتونیم باز دوباره همون حرفی که زدم بتونیم در درجه اول به خودمون کمک کنیم و در درجه بعد بتونیم بهترین کمکو به مراجع خودمون ارائه بدیم (۵)</p> <p>اینکه تو او تغییرات رو در قالب علمی که یاد گرفتی اجازه بدی واردت بشه یعنی میدونی سلکت مکنی از این صافی ردش می‌کنی که الان اینا غلطه میمونه بالای صافی و اینا تاییدش میکنه از اینجا اتفاق بهتره منم این تغییرو ایجاد بکنم در خودم یا این کارو انجام بده (۹)</p> <p>برای من توی کار خانواده درمانی آینه که من فک می‌کنم درمان یه چیز کاملاً دوطرفه ست هم برای مراجع میتونه جنبه درمان داشته باشه هم برای خود مشاور میتونه جنبه درمانی خاصی داشته باشه (۱۰)</p>	تغییرپذیری متقابل مشاور و مراجع در جلسات (درمان دو طرفه درمانجو و مشاور) اهمیت به مراجع و پیگیری
<p>قطعاً خیلی اثرگذاره خیلی اثرگذاره خب ببین یه سری منی که نشستیم اینجا خب؟ یه سری داده دارم از مراجع می‌گیرم این داده‌ها رو درونی می‌کنم و یه سری داده میدم بیرون اینجا کسی که بیشتر اثر میگیره منم نه مراجع یه سری داده‌های مراجع با داده‌های من داره قاطی میشه درون من و یه چیز جدیدی میاد بیرون این جدید بیرون اومدنه یعنی گشودگی جدید یعنی اثرگذاری (۲)</p> <p>یه سری تجربیات که قبل از مشاور شدنم و قبل از وارد شدنم به حوزه درمان خب یه سری تجربه و خاطره‌ها خیلی کمک کرده و کلید گیر جلسات بوده یه جاهایی یه خودافشایی از طرف من باعث شده خب مراجع خیلی بهتر به من اعتماد بکنه و جلسه</p>	تأثیرگذاری متقابل

عبارات و کد مشارکت‌کنندگان	کدهای باز
<p>مون پیشرفته چشمگیری داشته باشه و از اون طرفم متقابلاً این اتفاق افتاده یه سری تجربه‌هایی که مراجع داشته هم به من کمک کرده تو حوزه حرفه‌ای (۳)</p> <p>[اولین کیسم مراجع خودکشی گرا بود که] یه ساعت صحبت کردیم قشنگ یادمه ۷ شب بود تا ۸ صحبت کردیم من تا آخر شبش واقعاً حالم گرفته بود و استرس گرفته بودم و این‌ها از اون طرف بوده مراجعینی که کمکشون کردیم حالشون خوب شده و بهتر شده و به زندگی بهتر رسیدن و حالم خیلی بهتر شده خودم به اون توانمندی که دارم اعتماد خیلی بیشتر شده... چه برای من مشاور چه برای مراجع چون همدیگه رو ارزیابی می‌کنیم همدیگه رو در واقع سبک سنگین می‌کنیم و در عین حال اون تجربه زیستی همدیگه رو به دست میاریم به جاهایی ممکنه من یه چیزایی با اون شیر می‌کنم اون یه چیزایی رو شیر میکنه که ممکنه برای من خیلی جدید باشه (۵)</p> <p>وقتی که توی مشاوره قرار می‌گیرم یه سری حرفا یه سری خطرات یه سری داستان‌هایی که مراجعین میگن یه جاهایی حتی به من کمک میکنه من واقعاً به این موضوع معتقدم گه وقتی توی جلسه هستی از جلسه میای بیرون تو همون آدم قبلی که رفتی تو جلسه نیستی یعنی یه داده‌ای بهت اضافه شده یه تغییری روت ایجاد شده (۹)</p>	
<p>سلام حقیقتش قبل از اینکه بخوام مراجعی رو ببینم مهم برای من آینه که اول روی سلامت روان خودم کار کن یعنی سلامت روان من بستگی به مسائل و یا سلامت مراجع من نداره (۱)</p>	<p>عدم وابستگی سلامت روان مشاور به وضعیت سلامت مراجع</p>
<p>چون اگر مشکلی داشته باشم اگر دیدم نسبت به مسائل مورد دار باشه قطعاً در جلسه این همراه من خواهد بود و تأثیر میزازه توی دیدگاهم نسبت به مراجع و قضاوتم راجع به موضوعی که مراجع داره میگه خیلی تأثیرگذار هست (۱)</p>	<p>مؤثر بودن دیدگاه مشاور بر سنجش دیدگاه‌های مراجع</p>
<p>مسائلی رو که داشتم حل می‌کنم و حل شده وارد جلسه میشم... [مسائل روان‌شناختی خودم] قبلاً حل شده و یا در حال حل شدن و اصلاً نمی‌زارم توی اتاق درمان. (۱)</p> <p>افتاده واقعیت آینه که برای خود من به این شکل بوده که من مسائلی که کامل حل نکرده بودم برای خودم و اینکه تا حالا بهش فک نکرده بودم وقتی مراجع مطرح میکنه قاعدتاً تو اون جاها بیشتر [حلش کنم] (۴)</p> <p>شما بهتر از من میدونید که به‌عنوان یه مشاور شرط اولیه اینکه بتونی کار مشاوره رو انجام بدی آینه که یه درمان نسبی خودتون رو کرده باشید حداقل یعنی خودتون اولین مورد خودتون هستید تا زمانی که مشکل حل نشده خودتون باشه خب عقلاً کارتتون سخت تره (۵)</p> <p>اینکه در حیطه کاریم با توجه به فشارهایی که بوده خب تحت تأثیر داره اینکه روان رو یه خورده آزرده می‌کنه و مسلماً آگه به دنبال حلش برای خودم نباشم گاهی اوقات</p>	<p>اهمیت حل مسائل روان‌شناختی مشاور در درمانگری (حل شدن مسائل مشاور در جلسات درمانی)</p>

عبارات و کد مشارکت کنندگان	کدهای باز
ممکنه توی زندگی شخصیم تأثیر بزاره (۱۱)	
نکته دوم اینکه مشاوره و کار کردن با رنجای ادمای دیگه خیلی میتونه به ما کمک کنه به عنوان درمانگر که بتونیم گسترده‌تر نگاه کنیم (۱۰)	گسترش نگاه‌های درمانگر
بخوام مثلاً مصداقی بگم چطور بگم مثلاً کسی که یه دفعه میاد یه مساله ای رو چه میدونم بر اساس تجربه یا هر چیز دیگه ای یه دفعه مطرح میکنه و تو یه دفعه بهش فک نکردی یا اگر فک کردی برای خودت واکاوی نکردی هرچند این مساله رو باز می کنی و ریشه هاشو باز می کنی و قاعدتاً خود من مشاور هم دچار تغییرات میشم (۴)	واکاوی و کندوکاو مسائل در گستره گوناهگونی مراجعان
به لحاظ درس خوندنایی که داشتیم در این حرفه و در این تخصص این کارو من هم زمان با تحصیل شروع کردم که مسائل خودمو وارد اتاق درمان نکنم (۱)	تلاش برای وارد نکردن مسائل شخصی درمانگر در فرایند درمان
در فضای فکری من اینهاست که از هر موضوعی میشه یاد گرفت میشه تجربه و یادگیری رو تجربه کرد حالا تو فضای خانواده هم همین نوع نگاه برقراره یعنی من مراجع با هر نوع مساله ای با هر ... جمعیت شناختی میتونه برای من درسی برای زندگی داشته باشه این یه قاعده کلی برای زندگی هستش این یه اصول کاری برای من به شخصه هستش وقتی با یه مراجع کار می کنم میدونم الان بچه سال باشه بزرگ سال باشه فرقی نمیکنه برای من قطعاً درسهایی خواهد داشت (۲)	درس گرفتن از مسائل مراجع
تمام افرادی که به شما مراجعه میکنن یک کتابی هستن پر از افکار متفاوت پر از داستان‌های متفاوت (۲) حالا بین مردم چه داستانی دارن چه مسائلی هست و تو مثلاً میتونی اینا رو خیلی کوچیک تر ببینی خیلی برات پررنگ نباشه خیلی راحت میتونی مدیریتش کنی... یه بخش خیلی کوچیکش میتونه این باشه ولی مثال میگن ادب از که اموختی از بی ادبان از آسیب‌هایی که خورده بودن ادما شاید تو کتابا نگفتن تو کارگاه‌ها نمیگن تو زندگی و تجربه ادما اینا رو می شنوم اینا رو سعی می کنم تو زندگی خودم مراعات کنم انجامش ندنم (۹)	آموختن از مراجعان مختلف
یا هر چیزی برای زندگی مفید باشه مفید منظورم معنوی نه مالی یعنی چیزی از این آدم یاد بگیرم چیز باشه که بتونم استفاده کنم خیلی دنبال این بودم... و سعی می کنم برای به دست آوردن این دانشم زیاد کنم که اونم باید بلد باشم که حال مردمو خوب کنم در جلساتم می بینم که موضوع جدیدی وجود داره که شاید با روش قبلی خیلی نتونم بهش کمک کنم حتماً جستجو می کنم ببینم با توجه به احوال این آدم که	یادگیری مداوم و جستجو گری مستمر

عبارات و کد مشارکت‌کنندگان	کدهای باز
<p>الان جلوم نشسته شخصیت این آدم چه سبکی رو پیش بگیرم که بتونم کمکش کنم (۱)</p>	
<p>اگر مساله ای هست یا مراجعی خیلی مشکلات عدیده‌ای داره مثلاً با موضوع خیانت این بدبینی رو من در زندگی خودم وارد نمی‌کنم یعنی این مساله مساله مراجع بوه سبک زندگی اون تا الان بوده نحوه رفتارش در زندگی بوده که حاصلش الان آینه (۱)</p> <p>بستگی به این داره که خود مشاور مجهز به ابزار و توانمندی هایی باشه اینکه نزاشته با توجه به موضوعاتی که ... می‌کنه دنبال می‌کنه اصلاً فضای زندگی خودش تغییر کنه کلی آسیب بیینه دوره‌های سخت روانی رو متحمل بشه... منتها به جاهایی هم شده که این فضای یادگیری از دست من خارج شده اون غرق شده تجربه شده یعنی اون داستان اون مراجع اون مشکل مراجع باعث شده به شدت روی من اثر بزاره آینه (۲)</p>	<p>تحت تأثیر تجارب منفی مراجع نبودن</p>
<p>انگار که مثلاً به اقیانوس به رودخونه ای در جریان و به نظرم من وقتی که ما این نگاه رو نداشته باشیم و اینجوری بستر این ادما رو نتونیم تحلیل کنیم یا ربط بدیم به بسترشون ممکنه یهو ما بریم تو اون رودخونه کنار اون ام وایسیم و اینجوری نه به اون میتونیم کمک کنیم نجات پیدا کنه هم آینه خودمون غرق بشیم تو اون رودخونه. جایگاه به مشاور آینه که کنار مراجعش باشه اما به مراجعش اینو بگه که بیاد روی پل به جای اینکه توی رودخونه باشه بیاد روی پل از بیرون به فضای زندگی خودش نگاه کنه به اینکه اصلاً کی این فضا رو شکل داده وقتی خودتم اینو از بیرون نگاه کنی و تمام اینا رو درنظر بگیري خیلی اوقات سختی سازی نمی‌کنی دیگه چون میدونی نگاه اون آدم ممکنه... خیلی چیزها باشه که با زندگی تو اصلاً مشترک نیست به نظر من اینکه از بالای پل باشی به جای اینکه بخوای خودتو غرق کنی تو رودخونه خیلی کمک می‌کنه (۱۰)</p>	<p>غرق نشدن در داستان‌های مشکل‌دار</p>
<p>برای خود من هر دو بعدش بوده یعنی جاهایی بوده در زوج یا خانواده درمانی حالا به اسیبی رو باهاش مواجه بودم به‌عنوان مشاور اون رو از زبان مراجع تجربه کردم چالش‌ها و واقعیت هاش رو دیدم حالا اوادم در زندگی شخصی خودم به نوع دیگه ای باهاش برخورد کردم ... حالا هرچی تجربه حساستر باشه اون ضربه عمیق‌تر باشه دردناک‌تر باشه به همون مقدار دردش به من مشاور منتقل میشه ... (۲)</p>	<p>متأثر شدن از مسائل مراجع</p>
<p>آگه اون دانسته‌ها توی به بافت گستره بره اون آدم با رنجای ادماي مختلف رو به رو بشه بیینه که چقد میتونه متنوع باشه چقد رنجه فرق کنه جنوبیا با شمالیا فرق کنن کتابای مختلف بخونه صرفاً خودش محدود به اون کتابای مشاوره و روان‌شناسی و دانشمندی این شاخه نکنه اینجوری به نظر میتونه به گستره دید خیلی بزرگتر به آدم</p>	<p>آشنایی با دیدگاه‌های متنوع</p>

عبارات و کد مشارکت کنندگان	کدهای باز
داده بشه (۱۰)	
اولاً به دید کلی نگر بهم داده خیلی وارد جزئیات نمیشم خیلی در مسائلی که اتفاق میفته توقف نمی‌کنم که کنکاش کنم جزئیات مساله و و موشکافی کنم می‌گذرم ازش (۱)	مهارت گذر از مسائل
که مسائل رو درون خودم نگه ندارم با چه تکنیک‌هایی بتونم ازشون عبور کنم رو دیده بودم ولی خیلی زود متوجه شدم که باید به صورت هر روز این کار رو انجام بدم (۸)	
یعنی به جورایی سخت نمی‌گیرم دنیا رو سخت نمی‌گیرم دید کلی نسبت به دنیا دارم (۱)	سخت‌نگرفتن زندگی دنیا
سعی می‌کنم که مسائل رو واقعاً اونجور که هستن یعنی از خودم اون مشکل رو جدا می‌کنم اون مساله رو اونجوری که هست بینم نه بزرگر از اون چیزی که وجود داره به خورده به اصطلاح همون صحبت سخت بگیری سخت میگذره به این نتیجه رسیدم. همین رو میتونم بگم. (۱)	جداسازی مشکل از وجود خود (مشکل، مشکل است؛ فرد، مشکل نیست)
حس قشنگی دارم نسبت بهش [نسبت به مرگ] حس ادامه زندگی در به شرایط دیگه در به محیط دیگه و زندگی کامل‌تر. خیلی خوبه؛ یعنی قبولش دارم کاملاً باهاش کنار اومدم به واقعیت شده در زندگی... تا لحظه‌ای که این اتفاق [مرگ] بخواد برای من بیفته و هیچ حسرتی وجود نداره در زندگی (۱)	پذیرش واقعیت مرگ (مرگ آگاهی و ارتقاء زندگی)
خب خیلی بهتر شدم [در ادراک واقعیت مرگ]. ترسی که قبلاً نسبت به مسائل مرگ و پوچی و اینا داشتم خیلی بهتر شد. نمیگم ترسه نیست ولی اون شدت بالا رو نداره (۱۱)	کاهش اضطراب مرگ
از این بابت تغییر زیاد خاصی نکردم چون که حالا هرآنچه که بوده من قبل از اینکه این فرایندی که این رشته رو بخونم بعد کار درمان رو کم کم شروع کنم اون تغییرات قبل از این اتفاق افتاده بود یعنی اعتقاداتی که هست ولی به سری هم که فعالیت حرفه‌ای باعث شده که نگاه به مرگ تغییر کرده یا نه واقعیتش از این بابت نه. مورد قبلی که سؤال پرسیدید حالا معنا و ارتباط و تغییرات درونی اره ولی از این بابت تغییر انچنانی نبوده در من (۴)	اعتقادات دینی شکل گرفته در مورد واقعیت مرگ و دنیای پس از مرگ
به سری مراجع‌هایی وجود داره که چالش مرگ وقتی من باهاشون صحبت کردم انگار چالش مرگ رو درون منم قطعه قطعه... [تشریح می‌کنن] (۳)	تجارب مرگ آگاهانه
اینکه اگر بخوام معنی کلی‌تری برای مرگ بگم میتونم به کلید واژه رو بگم مرگ یعنی در واقع آگاهی کامل (۶)	
قطعاً خب در هر صورت به بخشی از زندگی هر کدوم از ما هست بحث فقدان	مرگ، محرکی برای بهره

عبارات و کد مشارکت‌کنندگان	کدهای باز
<p>بحث... داشتن و بحث مرگ برای ما و خیلی مهمه خیلی جاها کمک میکنه اون فرد و به ما ... که بتونیم از این فرصت محدودی که برای زندگی داریم استفاده بهتری ببریم و بتونیم که موثرتر باشیم (۵)</p>	<p>گیری بهتر از زندگی</p>
<p>به نظر من مرگ یعنی هشیاری مرگ یعنی اینو در واقع من قبل از اینکه وارد رشته مشاوره بشم متوجه نبودم ولی الان میگم مرگ یعنی هشیاری یعنی اینکه بدونی در لحظه داری چکار میکنه یعنی بدونی که همیشه توی رشته مشاوره نباید به‌عنوان بعد پولی و مالیش به کسی کمک بکنی (۶)</p>	<p>مرگ آگاهی، یعنی هشیارانه زیستن</p>
<p>همین نگاه مرگ میتونه به مراجع جهت بده برای زندگی یعنی مراجعی که خب حالا جوان هست نوجوان هست میخواد اول به مسری رو پیش بگیره بره جلو دیگه مثلاً حساب کنه چه میدونم ۲۰ سال بعد ۳۰ سال بعد ... به مرگ خودت و بخوای اون زندگی خودتو مرور بکنی در واقع دوست داری کجا باشی و چی بگی در مورد خودت چه تجربه‌ای داشتی و این خودش خیلی کمک کننده س (۵) [مرگ آگاهی] به جور هدف میده به جور برنامه میده به جور که احساس می کنی که آگه بخوای ترک کنی دستاوردهای خودت برات چی بوده (۱۱)</p>	<p>جهت‌یابی زندگی ناشی از اندیشه مرگ</p>
<p>نگاهم به مرگ شاید خیلی بهتر شد. نگاهم به مرگ خیلی قشنگ‌تر شد چون احساس کردم که داره اتفاقاتی میفته در دل این مشاوره‌هایی که دیدم داره یک جورایی هرچند کوچیک به رشدی اتفاق میفته توی به سری آدم به خصوص حالا چون من کارم خودم که احساس می‌کردم من کارایی که کردم باعث شده به خانواده در مورد کودکش بهتر عمل کنه. شاید اون بچه بعداً آدم بهتری بشه. بعداً زندگی بهتری داشته باشه و همه اینا باعث شد که خودم نسبت به مرگ خودم به ذره نسبت به مرگ خودم آسودگی بهتری رو تجربه می‌کنم. (۷)</p>	<p>زیباتر شدن واقعیت مرگ</p>
<p>احساس می‌کنم شاید دارم ماموریتی که وظیفه من بوده توی این حرفه دارم انجامش میدم. در نتیجه با مرگ راحت‌تر کنار میام انگاری که برام رشد دهنده بوده خب من تلاشمو در خیلی از موارد کردم و قبلاً بهش فک نمی‌کردم ولی الان انگاری که خودم آسوده‌ترم در مقابله با مرگ (۷)</p>	<p>آسودگی در مواجهه با مرگ</p>
<p>به مراجع تو به جلسه‌ای که حالا تو به جلسه چند دقیقه وقتی میاد به فضایی رو توصیف میکنه این جلسه اینکار رو من خیلی اثرگذار میشه و رویارویییم با مرگ رو از به منظر دیگه داره بهش نگاه میکنه این جالش رو گاهها من با مراجع هام داشتم که بعداً منو به فکر فرو برده و مواجه کرده با مرگ و خیلی هم تعجب کردم از این بابت چون ما به فرایندی رو طی کردیم در رابطه با مرگ اما انگار به کلمه به جمله از طرف مراجع باعث میشه که این رویارویی با مرگ در من زنده بشه و گاهها من به طرز</p>	<p>رویارویی با واقعیت مرگ</p>

عبارات و کد مشارکت کنندگان	کدهای باز
شدیدی تجربه‌اش کنم (۳)	
همیشه دیدم نسبت به زندگی این بوده که آماده باشم وقتی این اتفاق بخواد بیفته جزئی از ادامه زندگی مثل به دنیا اومدن مثل متولد شدن که از خیلی قبل تر شروع شده حالا اومدم در به محیط جدیدتر زندگی می‌کنیم (۱)	مرگ، به مثابه ادامه مسیر حیات انسان
مرگ هم به تولد دیگه ای هست از نظر من در به جهان دیگه و زندگی کاملتر از این زندگی (۱)	باور به تولد دوباره پس از مرگ
احساس تنهایی یا واژه تنهایی تنها بودنه این به نوع واکنشه اما طی فرایندی وقتی فرد به این درجه رسید که بپذیره واقعاً تنهاست تنها به دنیا میاد تنها میمیره تنها فکر میکنه تنها غذا میخوره اتفاقاً اونجاست که دل بستگی به صورت صحیح شکل میگیره (۳) در عین حال که همه ما تنهایییم و این تنهایی رو با عمق وجود در لحظات زندگی خیلی اوقات درکش می‌کنیم و تنهایی رو احساسش می‌کنیم (۹)	پذیرش تنهایی و اثرات مثبت آن
من انزوا رو اونجور که خیلی از درمانگرای وجودی بهش نگاه دارن رو نگاه ندارم بهش و اتفاقاً من به نظرم خیلی جاها ما بخشی از اجتماع خودمون هستیم و اون نگاه تنهاییه رو خیلی باهاش موافق نیستم (۵)	تعدیل تنهایی وجودی با توجه به بستر فرهنگی
افرادی هستن که خب اتفاق میفته زیاد که به اسم مشورت راهکار و نقش از طرف کسانی که باهاشون در ارتباطن میگیرن به نخ میگیرن و بعد از انیکه حالا آنگه این پروژه موفقیت آمیز بود اوکی اگر بد بود اونو نسبتش میدن به جامعه نسبتش میدن به اون طرف مشورت و خودشون خب فرار میکنن به جوری ناخودآگاه از اون مسئولیته و وقتی این مساله تنهایی پذیرش اتفاق افتاد اونجاییه که اتفاقاً افراد از منابع مختلف مشورت میگیرن خودشون انتخاب میکنن (۳)	تنهایی وجودی و رشد انسان
همین الان که دارم با شما صحبت می‌کنم من خیلی جدا و دور از شما و متفاوت از شما دارم تعریف می‌کنم و توصیف می‌کنم و شما جور دیگه ای برداشت می‌کنید و این اون تنهاییه. ما جدا از همدیگه هستیم هر قدر هم که تو ارتباط درگیر بشیم باز هم جدا هستیم (۱۱)	به دوش کشیدن بار زندگی به صورت تنها
زندگی ما تشکیل شده از انتخابامون و قبول کردن مسئولیت این انتخاب (۱) قطعاً همین یعنی زندگی ما جز انتخاب کردن نیست خب این فرایند در مسائل مشاور مراجعی به خورده سخت تره... گفتن اینا به چیزه تجربه کردن و پذیرفتن اینا به فرایند خب جداییه افراد عموماً حالا کسایه که معتقد به اینن حالا چه مشاور چه مراجع به تجربه من اینا گفتنش خیلی گفتنش رو خیلی راحت تر میدونن اما این رسیدن به این تجربه و با گفتن و درست درک کردن و فهمیدنش مستلزم به فرایند نسبتاً طولانیه برای هر مراجعی متفاوت (۳)	انتخاب و مسئولیت ناشی از آن

عبارات و کد مشارکت‌کنندگان	کدهای باز
<p>ولی ازادی از نظر مشاوره ازادیه درون فردی همون انتخابه انتخاب افراد بین گزینه‌های مختلفی که وجود داره یا گزینه‌های مختلفی که خلق میکنن حالا اون گزینه‌های مختلف که وجود داره هرچی که انتخاب کنن در مقابلش مسئولن دیگه چون خودشون انتخاب کردن (۸)</p> <p>انتخاب و مسئولیت ناشی از آن [کلاً احساس می‌کنم قانون طبیعت در زندگیه. حتی آگه یه جبر زمانه‌ای باشه مثلاً شما انتخاب نکردید در ایران به دنیا بیای. این پدر مادرت باشن یا دینت چی باشه. شاید یه جبر زمانه‌ای واقع باشه ولی در همون جبر زمانه هم شما باز حق انتخاب داری میتونی خیلی چیزا رو تغییر بدی و من فک می‌کنم کلاً ما هر ثانیه در حال انتخاب کردیم حتی انتخاب نکردن هم نوعی انتخاب کردنه (۹)</p> <p>کلاً فضای روان شناسی و مشاوره خیلی ادما میبره تو این بعدی که همه انسان‌ها مسئول تک تک انتخابشون هستن (۱۰)</p> <p>با توجه به این محدودیت‌ها این منم که دست به انتخاب می‌زنم و مسئولیت انتخابم رو باید به عهده بگیرم. حتی انتخاب نکردن هم خودش انتخاب کردنه (۱۱)</p> <p>اینکه ما ازادیم و حق انتخاب داریم اینو قبول داریم یعنی هر ادمی باید انتخابشو داشته باشه (۱۲)</p>	
<p>هر مساله ای که پیش میاد چه خوب چه موفقیته باشه چه شکست حاصل انتخاب خودمونه و اگر مسئولیتش رو قبول کنم از اون انتخاب نتیجه خوبی می‌گیرم حتی آگه شکست باشه برای همین خیلی پایه زندگیم بر انتخاب و مسئولیت‌پذیری (۱)</p> <p>کاملاً اعتقاد دارم به این انتخابا و محدودیتایی که باید بپذیرید و قبل همه اینا هم ازادی که انسان داره توی انتخاباش (۴)</p> <p>خیلی خیلی بیشتر خب من روشم آینه یعنی زندگی شخصی خودم همیشه با توجه به شرایطی که داشتم همیشه سعی می‌کردم که انتخاب بکنم و اون مسئولیت انتخاب که میکنم بپذیرم و خب بالطبع تا زمانی که ازادی نداشته باشم و انتخابیم وجود نداره خب عملاً این قضیه هست دیگه این نگاه من به‌عنوان یک انسان نگاه شخصی خودم به انسان‌ها آینه که ازاد هستن و خودمم بالطبع این قضیه رو در مورد خودم صادق میدونم و وقتی که ازادی هم باشه انتخاب هست و نتیجه انتخاب هم مسئولیته (۵)</p> <p>ادما محصول انتخابا و تصمیمیایی هستن که خودشون گرفتن یعنی هر انسانی قدرت اختیار و انتخاب و تصمیم‌گیری داره اگر بخوایم در واقع روی مراجع این نکته رو پیاده کنیم که تو قدرت انتخاب داری و میتونی راه درست رو انتخاب کنی راه غلط رو انتخاب کنی... (۶)</p>	<p>باور به خودمختاری انسان</p>

عبارات و کد مشارکت کنندگان	کدهای باز
<p>ازادی رو حالا بر حسب عرف جامعه و سنتیومون و شرایطمون که توش زندگی می‌کنیم شاید متغیر باشه برای هر کسی ولی انتخاب کردن و مسئولیت پذیری رو اگر همه داشته باشن مشکلاتشون خیلی کمتر میشه (۱)</p>	<p>نقش باور به فاعلیت انسان در کاهش مشکلات</p>
<p>کاتالیزور میمونه کمکای بقیه آگه کمک بکنن سریع‌تر میشه و اگر نه من مجبورم که برای اگر خیلی آدم محکمی باشم بخوام حتماً به اون هدف برسیم مجبورم که از راه‌های دیگه و به پاره دیگه ای انتخاب کنم برای اون انتخابه و اون هدفه یعنی فاعلیت مال خودمه ... چون خودم فاعلم چون مسئولیت مال خودمه شیش دانگ مال خودم میدونم این مسئولیت (۱) به نظر من اون فاعلیت خود آدم بیشتره یعنی تو گزینه‌هایی که مطرح میشه نهایت آدم خودش انتخاب میکنه میگم آگه به صورت کلان نگاه نکنیم به صورت جزء نگاه کنیم اون آدم فاعله یعنی در اون جزئیات انتخابای آدم خیلی مهمه (۸)</p>	<p>فاعلیت انسان</p>
<p>من به چهارچویی برای زندگی دارم به اهدافی برای زندگی دارم در این اهداف و چهارچوب باید به انتخابایی بکنم و باید مسئولیت این انتخابا رو بپذیرم... آدم هدفمندی هستم ادمی هستم که دنبال آرامش زندگی هستم و از خودم رضایت دارم (۱) برای من مهمترین معنی‌ای که این رشته و این کار به زندگیم داده همین نگاهم به هدف زندگیه نگاهم به آینده که زندگی میخواد کجا بره با مرگ چه اتفاقی میفته شخصاً به من خیلی کمک کرده (۱۰)</p>	<p>هدفمندی و انتخاب بر آن اساس زیستن هدفمندتر</p>
<p>انسان‌ها توی گذشته خیلی دور مثلاً توی ۳۰۰ یا ۴۰۰ سال پیش اتفاقی که برای یک انسان میفته توی شرایط اجتماعیش شخصیش زندگی خصوصیش و اینا با توجه به امکانات اون جامعه همونو دارم می‌بینم همونه یعنی الان شرایط جامعه امکانات عوض شده ولی اون اتفاقاً دوباره داره میفته و یک تکرارپذیری دارم می‌بینم تو این موضوع... شرایط جامعه عوض شده وگرنه متنش همون انگار به متنی قصه‌ای نوشته شده همونو با ادمای مختلف توی مکان‌های مختلف و شرایط مختلف دارن اجراش میکنن این به دیدگاهیه که دارم بهش فک می‌کنم (۱)</p>	<p>یکسان بودن مسائل روان شناختی انسان‌ها در طول تاریخ (حتی با وجود پیشرفت تکنولوژی)</p>
<p>از خودم رضایت دارم نه اینکه همیشه موفق بودم نه من خیلی هم شکست داشتم از شکست‌های خودمم لذت بردم تو گذشته نه ولی الان که این خودشناسیه که به وجود اومده که دارم از لذت می‌برم (۱) خب ببینید. هر انسانی... باشه آینه که خودش بپذیره اینگونه که هست نه اینکه باید باشه و زمانی که ای رو بپذیری میتونی خیلی از مشکلات خیلی از چالش‌های خودتو باهاشون کنار بیایی و با خودت راحت‌تر باشی (۵)</p>	<p>خودپذیری (پذیرش خود)</p>

عبارات و کلمات مشارکت‌کنندگان	کدهای باز
<p>من یاد گرفتم بعد از از اینکه وارد رشته مشاوره شدم و به‌عنوان مشاور دارم کار می‌کنم یاد گرفتم اول اشتباهات خودمو ببپذیرم یعنی پذیرش اشتباهات قدم اوله برای یک مشاور چه توی حرفه‌ای که داره چه توی شغلی که داره چه توی زندگی خودش اول باید اشتباهات خودش رو بپذیره (۶)</p>	
<p>با توجه به شخصیت مشاور و بازخوردایی که به مشاور میده مراجع آموزش مبینه قشنگ میفهمه و اینو لمس و درک میکنه اون شخصیت رو موارد مثبتی که تو شخصیت مشاور هست رو مراجع میفهمه اینو شاید عمداً توی جلسه سعی کنم بیشتر بولدش کنم (۱)</p>	<p>الگوسازی شخصیت استوار برای مراجع</p>
<p>دنبال این نیستم که ادما نسبت به من حس خوبی داشته باشن منم که خودمو تطبیق میدم با شرایط با خصوصیت و اخلاق ادما و اگر خوشم نیاد احساس کنم که برای زندگی مفید نیست این خیلی مهمه برای که چیزی که وقتمو صرفش می‌کنم (۱) بعد از اینکه اشتباهاتش رو پذیرفت حالا بیاد فکر کنه چکار کنه جبران کنه گشودگی هم دقیقاً به این معناست یعنی اینکه ما در واقع ظاهرو باطن مون یکی باشه. به حرفی نزنیم عمل به چیز دیگه باشه. گشودگی یعنی مشاور ببپذیره آنچه که هست (۶)</p>	<p>اصالت</p>
<p>خیلی قضاوت بقیه برام کمرنگ‌تر شد مهم آینه که الان خودم از درون راضی باشم و اون خدای من راضی باشه دیگه بقیه برام مهم نیست حتی آنگه همه دنیا برعلیه من بشن و آسیب‌های بهم بزنی ناراحتم میکنه قطعاً ولی چون عمق پل میدونم وصلم به اون بالاییه و برای اون سعی می‌کنم کار درست‌تر رو انجام بدم دیگه برام خیلی قضاوت ادما کمرنگ‌تر شده (۹)</p>	<p>کمرنگ شدن قضاوت دیگران (مهم بودن رضایتمندی درونی و حرکت نکردن بر اساس معیارهای دیگران و ارزشهای اجتماعی) - اصالت وجودی</p>
<p>نه نه بین به مساله ای هست همینیم که تو خونم همینیم که تو خونه بابام همینیم که تو جامعم و همینیم که تو اتاق درمانم اره تفکیکی قائل نمیشم من اصلاً یکی از شعاری که ما داریم که خب صداقته باید ایجاد بشه و این صداقته باید نقش بازی نمی‌کنیم (۳) یاد گرفتم به مراجع خودم بفهمونم که خودت باش همین نه اینکه نقش بازی کنی نه اینکه نقاب به چهره بزنی نه اینکه بخوای کسی دیگه باشی ... [همچنین] همسر من در خانواده فرزند من در خانواده یاد گرفته که بین هویت یعنی بیان احساسات به طور شفاف یعنی خود بودن یعنی دروغ نگفتن یعنی صداقت (۶)</p>	<p>صداقت و همخوانی مشاور</p>
<p>اینکه معناهای جدیدی رو راجع به اون غایت و مرگ برای آدم خلق میکنه یعنی اون زندگی کرده بخشیش میشه کمک کردن به دیگران (۲)</p>	<p>لذت کمک کردن به دیگران (معنا)</p>

عبارات و کد مشارکت‌کنندگان	کدهای باز
<p>خب برای من مرگ انگار اصلاً وجود نداره انگار فقط جامون عوض میشه و خود ما هستیم و حالا مثل یک سفره مثلاً در این خونه زندگی میکنیمو جابجا میشیم میریم یه خونه دیگه برای من اینجوریه فقط این مهمه که الان اینکه هستم اون بهترین رو بتونم ارائه کنم اون چیزی که بشه ... (۹)</p>	<p>مرگ به مثابه سفر و جابجایی به منزلی دیگر</p>
<p>به خاطر اینکه احساس کردم که چقد دارم دنیای ادمای اطرافمو که به من مراجعه میکنن رو یه جورایی گسترش میدم معنای زندگی شون رو پخته‌تر می‌کنم و در حین اینکه معنای زندگیشون پخته‌تر می‌شد و این بازخوردو به من می‌دادن انگاری دنیای منم گسترده‌تر می‌شد. برای منم دنیا جای عمیق‌تر بهتر و انگار درجه یک‌تری می‌شد. چون احساس می‌کنم دارم یه مسیر مثبتی روی این دنیا دارم حالا هر چند که شاید خیلی کوچیکه و این برام خیلی جذاب بود (۷)</p> <p>خیلی رو جهان بینی من تأثیر بیشتر و عمیق‌تری گذاشه خیلی میتونه همدلی آدم رو بیره بالاتر یعنی همدلی من رو خیلی زیاد برده بالاتر چون طیف وسیعی از دردی آدم رو میتونی ببینی توی ... تو قبلاً تو جامعه نبوده یعنی توی بافت خودت دیدی حالا توی بافت گسترده‌تری که اون رنجا رو هیچ وقت ندیدی اون تجربه‌ها رو می‌بینی اولاً میتونه جهانی‌تری خیلی عمیق‌تری به ما بده که بتونیم رنجهای دنیا رو تو اون حجم بزرگش ببینیم و در کنارش بتونیم این توانایی رو داشته باشیم بتونیم که زندگی ارومی داشته باشیم یعنی هم دغدغه داشته باشیم و هم در کنار اون دغدغه‌ای که داریم و جهان رو پر از این رنجا می‌بینیم (۱۰)</p> <p>یه دید خیلی گسترده‌ای داده به من نمیکم حالا خیلی دید گسترده‌ای دارم یا خیلی وحشتناک بهم داده همه ما در مسیری خیلی جاها نیاز داریم رو خودمون کار کنیم دیده وسیع‌تر بشه ولی در یه سری ابعاد به من کمک کرده بتونم دید گسترده‌تری نسبت به گذشته داشته باشم (۱۰)</p>	<p>گسترش دنیای درونی و جهان بینی مشاور</p>
<p>نه احساس توانمندی و احساس مثلاً اینکه مؤثر بوده مثلاً حالا من یه آدم مهمی هستم که مؤثرم همچین چیزایی (۸)</p> <p>دوست داشتن آینه که بتونی ببینی چه تأثیر گذاری بودی تو زندگی دیگران یعنی تو تونستی یه سری مهارت رو کمک کنی که با هم دیگه رشد بدی این خیلی فرایند لذت بخشیه... کلاً فرایند تغییر کردن برای من چه خودم چه دیگران اینکه ادما درگیر یه ثبات نشن خیلی چیز لذت بخشیه (۱۰)</p> <p>من با بچه‌ها کار می‌کنم دیگه من کلاً همین که من همیشه میگم هر آدمی تو این دنیا یه رسالتی داره بابت یه هدفی به این دنیا میاد و باید اون رسالتش خودشو انجام بده من همینکه میدونم میتونم اتفاقاً خیلی ارزشمند... انگیزه و انرژی دو</p>	<p>احساس مثرثمر بودن و سودمندی</p>

عبارات و کد مشارکت‌کنندگان	کدهای باز
برابر میشه به نظرم همون معنایی که میتوم درمورد کارم بگم این که میتونم یه نقشی توی بهتر شدن حال و شرایط بچه‌ها که ... داشته باشن این واقعاً ارزشمنده برام (۱۲)	
احساس کردم که چقد دارم دنیای ادمای اطرافمو که به من مراجعه میکنن رو یه جورایی گسترش میدم معنای زندگی شون رو پخته‌تر می‌کنم و در حین اینکه معنای زندگی‌شون پخته‌تر می‌شد و این بازخوردو به من می‌دادن انگاری دنیای منم گسترده‌تر می‌شد (۷)	گسترش دنیای مراجعان و رهاندن آن‌ها از نگاه محدود به زندگی
بهره من بیشتر آینه که وقتی می‌بینم طرف به اون حصارایی که به خودش وصله و اون احساس بدبختی که داره یا احساسی که مثلاً سردرگمی داره وقتی این نجات پیدا میکنه مثل یه دکتری که داره جراحی میکنه مریضش خوب میشه احساس خوبی داره (۸)	
از افراد کمک می‌گیرم و خیلی جاها هم من به اونا کمک می‌رسونم شاید معنای عمیقی برای من باشه همین کلاً کار مشاوره به نوعی اونطوری که ... می‌گه جبران باشه یا به نوعی حالا تسهیل‌کننده بده بستون زندگی باشه (۵)	بده بستان در روابط مشاوره‌ای
و این مهمه که در درجه اول من شخصاً همین چیزی که اول گفتم جهان تبادل یعنی بده بستون برای اینکه بتونم خودمم به جاهای نقش دهنده‌ای داشته باشم گیرنده نباشم (۵)	
بحث تجربه‌هایی که دارم خب برای من خیلی مهمه و معناسازی که برای من اتفاق میفته لذت خب پیشرفت با مراجع و لذت همراه شدن با مراجع و لذت دیدن تغییر خب خیلی عجیبه و حاضر نیستم از دستش بدم و دوست ندارم از دستش بدم (۳)	لذت بردن از تغییرات مراجعان
به نظرم همون معنایی که میتوم درمورد کارم بگم این که میتونم یه نقشی توی بهتر شدن حال و شرایط بچه‌ها که ... داشته باشن این واقعاً ارزشمنده برام (۱۲)	
شاید اونجا احساس توانمندی به من بده شاید احساس توانمندی منو خوش حال میکنه نمیدونم چون بهش فک نکردم شاید احساس رضایت اون از اون احساس توانمندی به ... (۸)	توانمندشدن و توانمندسازی
یعنی داستانی که یه حالت فک کنم احتمالاته یعنی همین که پر از احتمالات اون خانواده اینش حالا جذابه و علاقه مندیتش اینقدر واقع باعث میشه که حالا به سمتش اومده باشم و از همه مهم‌تر آینه که چالش هم داره (۴)	لذت از چالش‌های مشاوره‌ای
معنا تو شغل خودم حس می‌کنم رشد بوده یه جور پیدا کردن هدف بود یه جور داشتن چالش (۱۱)	
یه حالت نگاه غیر خطی بودن به خانواده و اینا از این بابت بیشتر خوشم میاد یعنی قرار نیستش که یه چیز خیلی شسته رفته و مشخصی باشه (۴)	لذت بردن از علیت حلقوی در مشاوره خانواده

عبارات و کد مشارکت کنندگان	کدهای باز
به نظرم اون عصاره و چکیده بحث مشاوره و روان شناسیه در عین حال اون نگاه بالینی یه نگاه آسیب شناسانه نداره خیلی مهمه به نظر من اینکه ما یه دنبال این هستیم که اون نقاط مثبت و قوت رو تقویت کنیم که با این نگاه این نگاه ... و حتی یه فردو باز با نگاه خانواده ... (۵)	نگاه غیر آسیب شناسانه مشاوره
... بیشتر همون معنایی حالا توی بافت ارتباطی بوده... حالا چه ارتباطی با دیگران بوده چه ارتباطی با خودش داشته چه محیط پیرامونش حالا تغییرات و اتفاقات بیشتر از لحاظ معنایی برای خود من تو بحث ارتباطی بوده... بیشتر اون معنای ارتباطی و معنای رابطه‌ای برای خود من بیشتر اتفاق افتاده (۴)	ارتباطات ثمربخش و انسانی با دیگران
ما سه نوع ارتباط رو باید به تعادل برسونیم یکی ارتباط با خود یکی ارتباط با دیگران و یکی ارتباط با طبیعت ... افرادی که مراجعه میکنن پیش روان شناس یا مشاور یا روان پزشک قطعاً در یکی از این سه ارتباط لنگ میزنن یعنی یا ارتباطشون با دنیا به طرز صحیحی اتفاق نمیفته یا ارتباطشون با خودشون قطع این قطع ارتباط با خودشون (۳)	محوریت ارتباط در مسائل روان شناختی مراجعان
مسیری که با مراجع پیش میرم هر جا که احساس می‌کنم داره جواب میده توی ادمای مختلف در زمانهای مختلف جواب میده و روش‌های مختلف اونجاست که این حس به من دست میده که حالش داره خوب میشه این خیلی حال منو خوب میکنه یعنی واقعاً خستگیم در میشه (۱)	احساس آرامش در کمک به انسان‌ها
داریم واقعاً که سعی می‌کنیم هر مراجعی که میاد پیش ما به‌عنوان حالا کار مشاوره بهترین کیفیت خودمونو براش ارائه بدیم و سعی کنیم که در کوتاه رین زمان ممکن مشکلتشو حل بکنیم و بهش کمک بکنیم... این خیلی کمک کننده ست که هم من بتونیم بهترین سرویس رو به مراجع ارائه بدیم و همین که در واقع مراجعت از این جهت میتونه استفاده بیشتری بکنه (۵)	بهترین تلاش ممکن در ارائه خدمات
فقط این مهمه که الان اینکه هستم اون بهترین رو بتونم ارائه کنم اون چیزی که بشه.. (۹)	
میدونی یعنی این مساله فرد گرایه گاهی وقتا اونقدر غلبه پیدا میکنه که شور میشه حال بهم زن میشه مخصوصاً در فضای مشاوره ما خیلی من می‌بینم یا می‌شنوم بعضی از مشاورها این رو خیلی بولدش میکنن بدون اینکه در نظر بگیرن تو چه بافتی دارن مشاوره میدن چه فضای فکری دارن (۲)	احساس مسئولیت در قبال انتخاب‌های دیگران
آکه احساس کنم یکی مطابق چهارچوب زندگی من یست شرایط من نیست بدون اینکه کاری داشته باشم بدون اینکه دید منفی داشته باشم نسبت بهش به راحتی از کنارش سعی میکنم بگذرم دست نخورده بگذرم از کنارش نه به کسی ازار میرسونم و	عدم خود آزاری و دیگر آزاری (تحت تأثیر قرار نگرفتن از سبک زندگی

عبارات و کد مشارکت‌کنندگان	کدهای باز
نه اجازه میدم کسی به من ازار برسونه و این یعنی تعادل (۱)	دیگران و حفظ اصالت (خود)
می‌بینم بلد شده که با مشکلاتش کنار بیاد حلشون کنه دیدش نسبت به زندگی عوض بشه واقعاً برای من به حس خیلی خوب و به حال خوبیه و این برای من انرژی میده شارژم میکنه (۱)	خوشحالی از توانمند شدن مراجع
پیگیریم خیلی خوبه یعنی ولش نمی‌کنم جلسه تموم شد حالا من بیشتر با دانشجوها سرو کار داریم من خیلی پیگیری می‌کنم بینم که ایا اون نتیجه که می‌خواسته حاصل شد یعنی پیگیری جزئی از جلسات مشاوره منه که نتیجه رو بینم این نیست که حالا ولش کن آگه من گفتنیا رو گفتم حالا خودش انجام داد داد نداد نه (۱)	پیگیری جلسات درمانی تا حصول نتیجه مثبت
این پیگیر به مراجع خیلی حس خوبی میده کمکش میکنه و میفهمه یکی هست که کنارشه واقعاً و اعتماد و اون پذیرش رو زیاد پذیرش که اتفاق میفته اعتماد مراجع خیلی زیاد میشه نسبت به مشاور (۱)	القای حس اعتماد و ارزشمندی به مراجعان
شناختی من به این شکل هستش که کل عالم محترمه برایم فرقی نمیکنه تو فضای مشاوره و نمیدونم ... بقال این رتبه بندی‌ها همه میره کنار هر موجودی یعنی هر چیزی که من در این عالم می‌بینم برای خودش دارای منزلت و محترمه این در نگاه منه مثلاً (۲)	ذی شعور بودن کل عالم هستی (ابعاد هستی)
اره اره دقیقاً چون به نظامه کلاً یک انسان رو بخوای ... بکنیم کلاً به شکل یکپارچه ست هم از لحاظ جسمانی هم روانی همه چهارتا بعد که گفتید خلاصه میشه در به آدم (۴)	وحدت و یکپارچگی اجزای وجودی انسان‌ها
در واقع تو این شبکه پیچیده [وحدت اجزای هستی، شبکه] ادرمان هست و ابعاد همین.. جسمی معنوی اجتماعی و شخصی داریم و به نظر من چیزی که مهمه آینه که به همه این ابعاد توجه بکنیم (۵)	
ولی اینکه بخوامم بگم مرزی باهاش جدا بشم نه میگم من یکپارچه به همه نگاه می‌کنم همون رفتاری رو که در اتاق مشاوره دارم سعی می‌کنم در خانواده هم داشته باشم (۲)	
همون چیزی که قبلاً گفتم ما بخشی از ... همون چیزی که سعدی میگه میگه بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار... به نظر من ما به سیستمیم سیستم زمانی میتونه به بازخورد مثبتش برسه که ... که در واقع اون شرایط چیز فراهم باشه یعنی تک بعدی نمیشه با به سیستم برخورد کرد به همه ابعاد همه جنبه‌ها توجه بکنیم (۵)	یکپارچگی با سایر انسان‌ها
من هویتم خودم رو به‌عنوان یک عوض از یک خانواده کلی یعنی این خانواده منظور	حس ارتباط با تمامیت

عبارات و کد مشارکت کنندگان	کدهای باز
خود خانواده ست یعنی مثلاً فرقی نمیکنه خانواده در قالب یک همسایه مطرح باشه یا نه... (۲)	جهان هستی (هویت مشاور)
من هویت خودمو رو در چند حالا بعد بگم بعد شخصیه آموزشی پژوهشی و بعد روانی به عنوان یه مشاور (۴)	ابعاد هویتی مشاور
زمانی که من خودم به این نتیجه رسیدم که باید خودمو بیشتر بشناسم خود آگاهیم بره بالا و سعی کردم یه سری موانع که در وجودم بود اونا رو کنترل کنم و به یه هویت منسجمی برسم ۸۰ درصد توسط خودم بود (۶)	انسجام هویتی
اره بالاخره مرز که باید باشه بدون مرز که یه چیز در واقع آتش شعله قلم کاری میشه که سرو تهش معلوم نیست مرز باید تا یه حدی باشه ولی اون مرزای بیشتر هم علمی هم ذهنیه؛ یعنی همیشه متر گذاشت بگیم که صرفاً مرزای علمی باشه یا مرزای ذهنی و.. یه جاهایی باید ذهنی باشه و یه جاهایی [عینی] (۴)	مرزهای هویتی
قطعاً هر چیزی مرز داره اینم میتونه خیلی مرزای گسترده‌ای داشته باشه نمیدونم منظور تون چه وجهه‌هایی از این مرزهاست ولی توی همه بعدها میتونه این هویت مرز داشته باشه برای ما یکی از مثلاً یکی از مرزاش میتونه این باشه که شغل تو یا حرفه‌ای که دوسش داری یا توش کار می‌کنی بخشی از هویتته (۱۰)	مرزهای هویتی
در واقع یه تعادلی بین این دو هویت به وجود بیاد که اینا همدیگه رو از در واقع چچور بگم از اون دایره خارج نکنن (۴)	تعادل هویتی
به نظر باید این مرزها رو سعی کنیم که بهش انعطاف بدیم یعنی نه باید خشک خشک باشه که اصلاً اونطوری یه روانکاو خوب... باشیم نه اونقدر این مرز در واقع باز باز (۵)	تعادل هویتی
بحث تعادل هویتی اینکه حالا بین خود من و مراجع رو در نظر بگیرم من سعی کردم نه اینکه بخوام مراجع خودمو عین خودم بکنم ولی حداقل آینه که یاد گرفتم به مراجع خودم بفهمونم که خودت باش همین نه اینکه نقش بازی کنی نه اینکه نقاب به چهره بزنی نه اینکه بخوای کسی دیگه باشی حداقلش آینه که اون بحث هویت آینه که مراجع من وقتی میاد پیش من باید خود باشه حالا این خود بودنش شاید خیلی زمان بیره که او به این نتیجه برسه که خود بودنش یعنی اینکه اگر شاده اگر غمگینه اگر غم داره اون رفتارو داشته باشه سعی نکنه اینا رو کنترل کنه (۶)	تعادل هویتی
اره همچین در آمیختگی با هویت دیگران نداره اینجا بخوام اینو تفکیک کنم (۸)	تعادل هویتی
خب مشاور و مشاوره کلاً یه فرایند یه بخشی از هویت منه این هویت خیلی ابعاد گوناگونی داره یه بخشیه که خلیم برای من ... چون یه انتخابی بوده که با تمام وجودم انجامش دادم (۱۰)	تعادل هویتی
همه انسانها براساس یه قاعده‌ای برابر هستن ولی به جهت اینکه الزامات زندگی یه	اعتقاد به برابری انسانها

عبارات و کد مشارکت‌کنندگان	کدهای باز
سری نقش‌هایی رو قبول کردن (۲)	
<p>بینید وقتی شما ... و درمانگر هستید حالا و با توجه به ... گفتم براتون سلامت و تعادل ... خانواده مهم هستش همینکه بتونیم ... همینکه به تعادلی رو برگردونده باشی تعادلی رو بسازی این خیلی لذت بخشه بعد اینکه افرادی رو بتونی با سلیقه‌های مختلف طرز فکرای مختلف با هم جمع کنی در یک نقطه مشترک این خیلی ارزشمند (۲)</p>	<p>ایجاد و برگرداندن تعادل به خانواده‌ها (عامل لذت بردن از مشاوره خانواده)</p>
<p>دیدم اینکه افرادی رو به یه نقطه‌ای برسونی که خودشون آماده تغییر باشن این خیلی مهمه و همین لذت بخشه (۲)</p>	<p>آماده سازی افراد برای تغییر</p>
<p>رسالتش بیشتر [برام مهمه] چون از لحاظ مالی آگه بخوام بهش نگاه کنیم مشاوره خب طوری نیستش که شما بتونی همزمان کار دیگه ای [انجام بدی] ... ولی نه جلوتر که آدم میاد رشد میکنه میبینی اون رسالته اون لبخندی که بعد از حل شدن یه مساله دیده میشه این خیلی ارزشش بیشتره ...اون رسالت... (۲)</p> <p>اینکه کدومش مهمتره [از بین رسالت، منزلت و پول] برای خود من حقیقتش آگه دنبال پول بودم دنبال این رشته نمیدادم فک می‌کنم نه من همه کسایی که این رشته رو خوندن مخصوصاً برای شروع بخوان به خاطر پولش بیان یه کار فوق العاده احمقانه‌ای انجام دادن چون واقعیتش آینه که آگه بخواد مخصوصاً آگه بخواد یه کار حرفه‌ای انجام بده حالا اینکه مشاوره‌ای که در نگاه عموم هست اون اره اونجوری میشه خیلی چول در آورد ولی آگه بخوای حرفه‌ای نگاه کنی برای خود من بیشتر اون بحث رسالته بوده (۴)</p> <p>من رشته مشاوره رو به این علت انتخاب کردم که بتونم به همنوع خودم کمک کنم چون بارها بوده من مشاوره دادم ولی پولی دریافت نکردم یعنی برای من رشته مشاوره ارزش معنویش خیلی بالاتره (۶)</p> <p>احساس می‌کنم شاید دارم ماموریتی که وظیفه من بوده توی این حرفه دارم انجامش میدم. در نتیجه با مرگ راحت‌تر کنار میام انگاری که برام رشد دهنده بوده خب من تلاشمو در خیلی از موارد کردم و قبلاً بهش فک نمی‌کردم ولی الان انگاری که خودم آسوده‌ترم در مقابله با مرگ... (۷)</p> <p>اول از همه چیزی که من تقریباً از ۱۸ سالگی دنباش بودم رسالتشه یعنی من احساس می‌کنم من به شخصه از لحاظ روحیه‌ای هویتی شخصیتی برای این مدل کار ساخته شدم. برای آنکه به ادما یاری برسونم ساخته شدم و هر یاری که میرسونم انگار یهو انرژی منو صد پله بالاتر میبره. این برای من یه اولویته یعنی رسالتم آینه که این کمکو داشته باشم (۷)</p> <p>به نظرم رسالتش برام مهمتره تا منزلتش منزلتش مثلاً یعنی من الان خودم اون نیازی به</p>	<p>مشاوره به‌عنوان رسالت شغلی و شخصی</p>

عبارات و کد مشارکت‌کنندگان	کدهای باز
<p>منزلت این ندارم یعنی تو اون حرفه‌ای که الان هستم مشاوره ... نیست به نظرم منزلتشم دارم پولشم دارم یعنی.. درد خودم ولی رسالتش خیلی قشنگ تره برای من یعنی شاید اون مراحل اوایی رو گذروندم اون زیستی رو اینا رو گذروندم مثلاً (۸)</p> <p>من خب ماموریتی دارم که باید انجامش بدم تا وقتی که هستم (۹)</p> <p>من با بچه‌ها کار می‌کنم دیگه من کلاً همین که من همیشه میگم هر ادمی تو این دنیا به رسالتی داره بابت به هدفی به این دنیا میاد و باید اون رسالتش خودشو انجام بده اولش که رسالتش برام مهمه ولی خب از اونجا که ما تو ایران زندگی می‌کنیم بعدی میشه پول چون هر قدر تلاش کنیم باز نسبت به فردا شرایط سخت‌تر میشه میگم اول رسالت بعد پول بعدم منزلت این به تا بود دیگه (۱۲)</p>	
<p>هر کدومش در جای خودش من مراجعی که هزینه نده به پرداخت نکنه یا بخوان که این کارو بدون دستمزد انجام بدم خب این کارو انجام نمی‌دم از لحاظ قانونی هم درست نیست خب؟... هر کدومش در جایگاه خودش من تحصیل کردم در این رشته و قرار به درآمدی از این رشته داشته باشم... همه این مؤلفه‌ها رو کنار هم برای من مهمه و هر کدومش در جای خودش برای من ارزشمنده (۳)</p> <p>رسالت واقعاً کافی نیست صادقانه. احساس کردم خب این بعد از این شغل من چیزیه من مجبورم برای درآمد داشته باشم ازش نمیشه فقط ارمانی نگاه کنیم که اوکی نه من فقط میخوام کمک کنم اصلاً پولش مهم نیست و دیدم نه واقعاً پولم اهمیت کمی نداره. چون دارم اینقدر از انرژی درونم صرف می‌کنم احساس می‌کنم احساس می‌کنم علاوه بر اینکه دارم رسالتو رو انجام میدم خب مثلاً برای شرایط زندگیم نیاز به به به درآمدیم دارم چون دیگه جانشو ندارم برم سراغ به شغل دیگه در نتیجه اونم مهمه نمیتونم بگم پولو اینا مهم نیست (۷)</p> <p>هرسه ناش؛ یعنی آگه آدم بخواد واقع بینانه بگه هر سه تای اینا که گفتید [پول، رسالت و منزلت] خیلی خیلی مهم میتونن باشن به نظر من هیچ کدوم جلوتر از بعدی نیست (۱۰)</p>	<p>تعادل بین مسائل مالی و رسالت مشاوره‌ای</p>
<p>[در رویکردهای پست مدرن] مشاور نقش به حکیمو داره بازی میکنه مشاور نشسته اینجا تا تو رو بیشتر بشناسه هیچ کس به اندازه توی مراجع خودتو نمیشناسه تو باید به سری داده‌ها رو بدی و مشاور سعی کنه با تو ارتباط بگیره و با تو همراه بشه (۳)</p>	<p>مراجع، به‌عنوان کارشناس زندگی خود</p>
<p>صد در صد در صد کاملاً خیلی متعهدم یعنی این جزء اصل مهم من هست توی مشاوره و فک می‌کنم این خیلی باعث شد و کمک کرد به من که موفق بشم خیلی</p>	<p>متعهد بودن به اصول حرفه‌ای</p>

عبارات و کد مشارکت‌کنندگان	کدهای باز
<p>زیاد یعنی حرمت مراجع رو نگه می‌دارم کاملاً جلسه م محرمانه ست (۱) والله من که خودم هفته‌ای یه جلسه درمانو میرم یعنی خودمم تحت درمان هستم چون حالا اصول اخلاقی حرفه‌ای کاری ما اینو ایجاد میکنه (۱۲)</p>	
<p>آگه کسی مسئولیت خودش رو یه مقداری بزرگتر ببینه قطعاً حساس میشه نسبت به مسائل خودش و اونجور که بهش تعلق داره و ازش نام میگیره (۲) والله خب تازه وارد این حیطه شدم در عین حال دنبال می‌کنم اخبار.. رو و انجمن مشاوره ایران رو یا حتی انجمن روان‌شناسی ایران رو ... یه جایی اینطوری آشنا بشم دنبال بکنم به روز باشم نسبت به شرایط کارم مسائلو مشکلات که وجود داره ... یا درون‌گرا در همین حد به نظرم کفایت میکنه (۵) [تعهد به مسائل صنفی و حرفه‌ای] برای من خیلی مهمه یعنی اصلاً قبل از اینکه آدم مشاوره بشه باید اینا رو داشته باشه (۸) [به صنف روان‌شناسان و مشاوران] خیلی خودمو متعهد میدونم (۱۰) من کلاً شخصیتا ادمی هستم که خیلی دوست دارم خودمو مسئولیت‌پذیر و متعهد به اون چیزی که هستم بدونم. اصلاً یه دلیلی که شاید الان خیلی ... دارم آینه که تعهدی که دارم درست انجام میدم یا نه (۱۱)</p>	<p>احساس تعهد و مسئولیت در قبال صنف روان‌شناسان</p>
<p>واقعاً چرا برام خیلی مهمه صادقانه برام خیلی مهمه یعنی یکمم دغدغه‌مندم هستم تو این زمینه ... چون یکمی شاید به خاطر آینه که همه ش درگیر کارهای خودمم و اما در حد شاید ۵۰ درصد روش زوم دارم و بهش فک می‌کنم (۷)</p>	<p>دغدغه‌مندی امورات صنفی</p>
<p>من همراه هستم اره این شاید در بحث مشاوره در بحث مشاور بودنم بهترین توصیفی که میتونم از خودم بکنم بهترین چستی که میتونم از خودم بگم آینه و چون من تمام تلاشم آینه که صرف نظر از تمام تکنیکا و فن‌ها و همه اینا خب من تمام تلاشمو می‌زارم که اولین قدم همراه بشم و مراجع به این درک برسه که من همراهم اینجا جاییه که اتفاقای جالبی میفته (۳) قبلاً هویتم اصلاً توی این بحثای مشاوره اینا انگار هیچ نمی‌گنجید برام معنایی نداشت الان توی بعد هویتم یه چیزی خیلی مثبتی که اضافه شده میدونید چیه؟ ویژگی کمک‌کننده بودن و همراه بودن انگاری که برای من اینجوری شده که من یه انسان کمک‌کننده هستم من یکم همراه هستم برای ادمای اطرافم و برای ادمایی که به من مراجعه میکنن و این انگار تو هویت ماندگار بولد شده (۷) خب مسلماً کسی که مشاوره میخونه نگاهش آینه که بخواد کمک بکنه یا همراهی بکنه اما من بیشتر خودم رو یک همدل میدونم. (۱۱)</p>	<p>همراه و همسفر بودن با انسان‌ها</p>
<p>احساس می‌کنم که یه مأموریت ویژه انگار دارم و داره دیگه تو اصل هویتم خودشو</p>	<p>هویت یاری‌رسانی</p>

عبارات و کد مشارکت‌کنندگان	کدهای باز
<p>نشون میده که هر جا که هستم تو هر موقعیتی که هستم واقع دنبال اینم که یاری برسونم. هر جوری که میتونم فقط یاری برسونم که اوضاع بهتر بشه شایدم به خاطر آینه که مزه کرده بهم این یاربه دیدم چقد حال خوب ایجاد میکنه شده دیگه الان بخشی از هویتم (۷)</p> <p>من ادمیم که سعی می‌کنم یعنی دوست دارم کمک کنم یعنی همون منجی که گفتم دوست دارم این نقطه اثر من کمکی براش برای اینکه نجات پیدا کنه به زندگی نجات پیدا کنه اون ادما ادمای موثرتری باشن یا ادمای شادتری باشن یا ادمای به آدم پاک کننده به آدم که سعی میکنه دیگرگرم بهتر زندگی کنن (۸)</p>	
<p>هرچی که گذشت و تجربه‌های مثبت اضافه شد من تعلق خاطریم یهویی انگار ده پله اومد بالا نسبت به کاری که انجا میدم برام شد به چیز مهم که هیچ جوره حاضر نیستم رهاش بکنم این که تازه ارتقا عشم دادم. برام خیلی یهویی بعد مهمی از زندگیم شد (۷)</p>	<p>تعلق خاطر به مشاوره (اهمیت پیدا کردن)</p>
<p>لحاظ اشتراک گذاشتن به سری مطالب تو فضای مجازی... تعهدی که نسبت به رشته هست اینا حالا موارد دیگه ای هم باشه که نیاز باشه انتخاباتی باشه که مربوط به رشته باشه چه میدونم به چیزی باشه که مربوط به رشته خودم باشه اره اونجام تا جایی که امکانش رو داشته باشم مثلاً نظر میدم یا انتخاب می‌کنم (۴)</p>	<p>حضور در انتخابات و ارائه نظرات و به اشتراک گذاری مطالب در مورد معرفی رشته مشاوره</p>
<p>قطعاً بین به سری قانونا ما داریم که من به جز جلسات مشاوره با مراجع هم هیچ نوع ارتباطی ندارم ارتباط من صرفاً با از طریق منشی داره اتفاق میفته اما خب مساله قانون کشور در جلسات مشاوره خیلی برام مطرحه دستاوردها اتفاق نمیفته برای من حالا جدای از بحث شرع خب قانون ایران آینه که نمیتونم به مرد با به زن نمیتونه دست بده کسایی که با هم غریبه هستن به اصطلاح دینی محرم نیست خب این برای من خیلی مطرحه (۳)</p>	<p>اعتبار حدو مرزهای شرعی و قانونی در ارتباط با مراجعان</p>
<p>تلاش می‌کنم که مهم‌ترین نکته توی مشاوره که بحث رازداریه یعنی مطالب مراجع در نزد من باید محفوظ باقی بمونه و کسی نباید مشکلات مراجع من رو متوجه بشه چه غریبه چه آشنا چه هر کسی. اون بحث رازداری رو حداقلش این چند سالی که رعایت کردم سعی کردم مساله رازداری رو رعایت کنم ولی بازم میگم هنوز جای کار داره جای اینو داره من بیشتر مطالعه کنم بیشتر رشته مشاوره رو بفهمم ولی توی بحث رازداری خیلی به من کمک کرده رشته مشاوره (۶)</p> <p>این همیشه مسائل حرفه آیش. اینکه خب صنف خلبانا مثلاً چکارایی باید انجام بدن میشه صنفش حالا این تو رشته خود ما به سری مسائل حرفه‌ای خاص خودمونو داریم میدونی رازداری همدلی و چیزای دیگه از اون طرف به صنفی هم داری (۸)</p>	<p>رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای</p>

عبارات و کد مشارکت‌کنندگان	کدهای باز
به خصوص منی که رو چهارچوبی اخلاقی و این جور چیزا متمرکز (۱۲)	
و یکی از چیزای یکه من به خودم افتخار می‌کنم آینه که در چهارچوب علمم [در این مورد عدم ورود نظرات شخصی و غیر تخصصی] باقی موندم عدول نکردم خارج نشدم (۹)	رعایت اصول علمی و حرفه‌ای
به نظر من هرچی مراجع‌های بیشتری ببینی بیشتر... عمیق‌تر میشه نسبت به هویت مشاوره‌ای. اصلاً می‌فهمی که وای چقد این مهمه چقد این هویت مشاوره‌ای. اصلاً می‌فهمی که وای چقد این مهمه چقد این هویت مشاوره‌ای چیز درجه یکیه و باید هی پر و بالش بدم هی قوی‌ترش بکنم یعنی احساس می‌کنم از لحاظ درونی من به بعدایی از این... [هویت رو اکتساب کردم] (۷)	غنی‌تر شدن هویت حرفه‌ای (دلبستگی شغلی)
مشاوره‌ای خودم رو صیقل داده بودم تا الان حالا که رفتم تو دل کار تازه می‌فهم چقد باید خودمو تو به بعداهایی قوی‌تر کنم هی حرفه‌ای‌تر کنم بیشتر باید این هویت رو بیشتر بی‌پذیریم. چون انگار تازه رو به رو شدم با واقعیت جامعه. آدم به دنیای ارمانی برای خودش میسازه به هویت خیلی خاص مشاوره‌ای می‌سازی می‌ای تو دل جامعه تازه می‌فهمی به جاهای پیش خیلی کار داره باید خیلی صیقل بخوره (۷) مسائل حرفه و مهارت‌های حرفه‌ای و تخصصی رو باید رعایت کنه یعنی همون اصول اولیه انسانی تقریباً میشه یعنی مثلاً اخلاق و اینا خیلی مهمه به جوری انگار مهمتر از هر نوع تخصصی (۸) همیشه سعی کردم رو به روز نگه دارم اطلاعات رو حالا به شکل کتاب خوندن کارگاه رفتن گوش کردن درسای مختلف از اساتید بزرگ و اینا و فک می‌کنم که حتی این لازمه تا لحظه‌ای که کار می‌کنم باشه چون وقتی فاصله میفته حس می‌کنم که دور میشم و مطالب کم‌رنگ میشه و کارم از اون کار حرفه‌ای یخورده افت میکنه متوسط‌تر میشه خروجی من به‌عنوان به مشاور برای همین همیشه سعی می‌کنم یعنی فک می‌کنم به مشاور چون با گونه انسانم طرفه و حتماً انسان دائم در حال تغییره و در این دوره و عصر هم تغییر انسان‌ها به شدت با سرعت بالاتری داره اتفاق میفته ما محکومیم و مجبوریم اگر بخوایم به‌عنوان به مشاور کار بکنیم با مشکلات روز مردم خودمونو به روز نگه داریم در خیلی زمینه‌ها مطالعه داشته باشیم تو زمینه مشاوره هم دائم نه اینکه حالا.... دائم باید خودمونو به روز نگه داریم (۹)	جهت‌گیری حرفه‌ای در شغل
خیلی از این شغل کسب کردم؛ یعنی به دنیای بزرگی بود. مثلاً ۷۰ درصد از اون شغله از اون داده‌های علمی از اونچه که اموختم از استاد گرفتم برای کارم ولی واقعاً صادقانه بخش زیادی هم از هویت درونیم گذاشتم روش؛ یعنی خودم می‌بینم تو مراجع‌های مختلف چقد دارم سعی می‌کنم از تجارب درونی خودم از اتفاقاتی که	خرج کردن از وجود خود برای مشاوره

عبارات و کد مشارکت‌کنندگان	کدهای باز
برای خودم پیش اومده از تجارب اولیه کودکم از همه اونا استفاده کردم تا این این شغل و تکنیک‌هایی که استفاده می‌کنم رو به جورایی ملموس کنم به جورایی از حالت ارمانی درشون پیام (۷)	
با توجه به چیزایی که در درونم دارم به خاطر همین خیلی کمک کننده بودن یعنی اون چیزایی که اضافه می‌کنی به ماجرا به نظرم روح میده به ماجرا به اون تکنیک‌ها به اون روش‌ها (۷)	روح دادن به فنون با اضافه کردن چاشنی‌های وجود مشاور
من اوایل که غیر حرفه‌ای کار کردم از خودم توش بیشتر می‌ریختم هرچی حرفه‌ای‌تر شدم اتفاقاً معکوس شد یعنی از شغلم توی هویت خودم ریختم (۹)	تأثیر هویت شغلی در هویت شخصی
برای همین حسم مثبت دیگه یعنی خودمو به درمانگر کودکی مبینم که تونستم هم اعتمادو در مراجع هام ایجاد کنم ارتباط درمانیه رو برقرار کنم ... [مراجعان] اعتماد رو میکنن و جلسه رو ادامه میدن برای من خیلی ارزشمند (۱۲)	موفقیت شغلی
یا همینکه به مراجع‌های دیگه به دوستاشون میگن منو معرفی میکنن این به من خیلی حس رضایت رو میده میگم که من هدفم همین بود دیگه رسالتم این بود که کارمو خب انجام بدم و مراجع راضی باشه که به دوستش به همکارش منو معرفی کنه و اینجا همون جاهاییه که من به خودم میگم تو دقیقاً همینو می‌خواستی رسالتت این بوده از اون طرف خب حس رضایتم بالا میره دیگه (۱۲)	رضایت درونی

جدول ۲. کدهای باز، محوری و انتخابی استخراج شده از مصاحبه‌های پیاده شده

کدهای باز	کدهای محوری	کدهای انتخابی
پذیرش واقعیت مرگ؛ مرگ آگاهی و ارتقاء زندگی؛ کاهش اضطراب مرگ؛ تجارب مرگ آگاهانه؛ مرگ، محرکی برای بهره‌گیری بهتر از زندگی؛ هشیارتر زیستن؛ جهت‌یابی زندگی با اندیشه در مفهوم مرگ؛ زیباتر شدن واقعیت مرگ؛ آسودگی در مواجهه با مرگ؛ رویارویی با واقعیت مرگ؛ مرگ، به مثابه ادامه مسیر حیات انسان؛ باور به تولد دوباره پس از مرگ؛ مرگ به مثابه سفر و جابجایی به منزلی دیگر؛ پررنگ شدن مسائل اخروی و آن‌دنیایی؛ کاهش تعلق به دنیای فانی	تغییرپذیری نگاه به مرگ و غایت زندگی	لمس دغدغه‌های وجودی
پذیرش تنهایی و اثرات مثبت آن؛ تعدیل تنهایی وجودی با توجه به بستر فرهنگی و ارتباطی؛ رشد ناشی از مواجهه با تنهایی وجودی؛ به دوش کشیدن بار زندگی و هستی	تنهایی وجودی	
باور به خودمختاری انسان؛ مسئولیت ناشی از انتخاب؛ تعدیل شدن پذیرش	آزادی،	لمس

کدهای انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز
دغدغه‌های وجودی	خودمختاری و مسئولیت‌پذیری	آزادی فردی و اجتماعی (تفکیک آزادی درون و برون فردی)؛ فعالیت انسان؛
	اصالت ورزی	کمرنگ شدن ارزش قضاوت‌های دیگران؛ اهمیت رضایتمندی درونی؛ حرکت نکردن بر اساس معیارهای دیگران و ارزشهای اجتماعی؛ اصالت وجودی؛ صداقت و همخوانی؛ لذت از چالش‌های مشاوره‌ای
رشد هویت شغلی	اهمیت شغل	گره خوردن هویت شغلی و شخصی؛ خرج کردن از وجود خود برای مشاوره؛ اخذ هویت یاری‌رسانی؛ اهمیت دادن به بهبود مراجعان؛ پیگیری جلسات درمانی تا حصول نتیجه مثبت؛ آماده‌سازی افراد برای تغییر؛ تلاش برای حل مسائل روان‌شناختی مشاور؛
	تعهد و مرکزیت شغلی	متعهد بودن به اصول حرفه‌ای؛ احساس تعهد و مسئولیت در قبال سایر روان‌شناسان؛ دغدغه‌مندی امورات صنفی؛ حضور در انتخابات و ارائه نظرات و به اشتراک گذاری مطالب در مورد معرفی رشته مشاوره؛ اعتبار حدو مرزهای شرعی و قانونی در ارتباط با مراجعان؛ رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای؛ رعایت اصول علمی و تخصصی
	دل‌بستگی شغلی	تعلق خاطر داشتن به نقش مشاوره‌ای؛ غنی‌تر شدن هویت حرفه‌ای؛ مشاوره به‌عنوان رسالت شغلی و شخصی؛ تعادل بین مسائل مالی و رسالت مشاوره‌ای
	ابعاد محض و کاربردی هویت مشاور و مشاوره	انسجام‌هویتی؛ تعادل هویتی؛ مرزهای هویتی؛ ابعاد هویتی مشاور
	جهت‌گیری حرفه‌ای در شغل	تلاش برای حرفه‌ای شدن در شغل؛ روح دادن به فنون با اضافه کردن چاشنی‌های وجود مشاور؛ تلاش برای موفقیت شغلی؛ رضایت شغلی؛ خشنودی درونی

برای محاسبه پایایی با روش هولستی^۱ متون در دو مرحله کدگذاری شدند. درنهایت پایایی براساس درصد توافق مشاهده‌شده محاسبه شد؛ و ۰/۸۶ بود و چون بالای ۰/۸۰ بود قابل قبول بود.

1 Holstie

بحث و نتیجه‌گیری

نظریات علمی در حوزه مشاوره گاهی از دسته نظریاتی هستند که به جنبه‌های شناختی پرداخته و گاهی بر پایه و اساس علوم رفتاری بوده و پیش‌آمده که جنبه‌های مشترک شناختی رفتاری و نیز ابعاد نوتری مثل فراشناخت محل بحث و تحقیق باشند اما کمتر به رویکردهای انسانی و همچنین رویکردهای عمیق آن در حوزه کاربرد توجه شده است. رویکردهایی مثل وجودی بیشتر محل تبادل نظر در راستای موارد عمیق فلسفی و روان‌شناختی بودند و یا محل توسعه پژوهش‌های بنیادین محسوب می‌شدند که البته همین میزان از توجه هم به بخش آمریکایی مکتب وجودی بوده و تحلیل دازاین و مکتب انگلیسی این مقدار از تحقیق علمی بومی را هم نداشتند. مشاوره خانواده تلاش می‌کند با بهبود روابط اعضای خانواده و از بین بردن استرس‌ها و تنش‌ها به بهتر شدن وضعیت خانواده و خوشبختی اعضای آن کمک کند. مشاوره خانواده شاخه‌ای از علم روان‌شناسی نوین است که به مطالعه رفتار فرد به‌فرد اعضای خانواده و نقش آن‌ها در خانواده می‌پردازد. مشاوره خانواده سعی می‌کند با تمامی اعضای خانواده جلسات روان‌درمانی داشته باشد ولی در مورد برخی از تعارضات در خانواده این امر امکان‌پذیر نیست. گاهی جلسات به‌صورت فردی با افراد برگزار می‌شود نه دسته‌جمعی همچنین مشاور تلاش می‌کند با استفاده از نبوغ و ویژگی‌های هر فرد از اعضای خانواده کار مشاوره خانواده را انجام دهد و به بهبود روابط و سطح زندگی به خانواده‌ها کمک کند حال که نقش پیچیده و اساسی مشاوران را درک کردیم این موضوع برای ما روشن می‌شود که چقدر طراحی الگویی هویتی که از طرفی عمیق‌ترین نقاط وجودی مشاوران را هدف قرار داده و از طرفی سلامت چندجانبه آن‌ها را اساسی جلوه می‌کند بسیاری از افراد به اهمیت تجربه در زندگی باور دارند؛ بنابراین بهره‌گیری از تجربه‌های زندگی دیگران به موفقیت زود هنگام افراد کم‌تجربه‌تر کمک می‌کند. برای استفاده از تجارب فوق باید تلاش مناسب صورت بگیرد. انتقال تجربه هدیه خوبی به فرد است. کسانی که تجربه‌ای دارند خوب است که آن را به دیگران منتقل کنند. فرایند انتقال تجربه از فرد باتجربه به فرد آماتور همیشه آسان نیست. گاهی هر دو نفر باید

تلاش خود را مضاعف کنند. پس اگر این مشاوران که جامعه هدف ما هستند کم‌تجربه و نو تجربه باشند و پشتوانه سال‌ها فعالیت علمی را پیدا نکرده باشند این موضوع حیاتی‌تر و بحرانی‌تر هم نمایان می‌شود.

همچنان که نتایج تحقیق ما با هاروارد (۲۰۲۲)، ابوالمعالی (۱۴۰۱)، پناهی و همکاران (۱۴۰۰)، اصل دهقان (۱۴۰۱) همسو بود دریافتیم در نتیجه‌گیری که هویت امری طولی است و طی سالیان شکل می‌گیرد اما به واسطه‌ی شغل مخصوصاً مشاغلی که جنبه‌ی انسانی دارد دچار تغییرات موازی می‌شود که در ارتباطات متقابل انسانی بسیار اثرگذار است و لاجرم مشاوران به خصوص با دید وجودی عمده حمیت شغلی و فکری و فراخنای اندیشه-ای خود را در این شغل قرار داده‌اند پس مفهوم هویت شغلی مفهومی پویا بوده که ریشه در عمیق‌ترین ابعاد هستی‌نگرانه‌ی وجودی داشته و تغییر در آن طی سالیان و به صورت عمیق حاصل خواهد شد. در تبیین نهایی مدل نیز نتیجه سنتی همیشگی برقرار است که ۴ دغدغه اصلی وجودی زمانی که در امتداد اهمیت و جهت‌گیری حرفه‌ای قرار بگیرند چاره‌ساز بوده و رشد هویتی پایدار را حاصل خواهند کرد. البته که در بوم فرهنگ ما این چنین تحقیقاتی اساسی‌تر است چراکه هم در اسلام روی هویت خیلی تأکید شده است و هم در ایران خانواده و به دنبال آن مشاورانی که جریان زندگی را تسهیل کنند اهمیت خاصی دارند و جمعیت جوان و انبوه نو مشاور نیاز خاصی در بستر فرهنگ بومی خود به چنین مسائلی دارند.

همچنان که از تحقیق ما پیداست دغدغه‌های وجودی چون تغییرپذیری نگاه به مرگ و غایت زندگی، تنهایی وجودی، عناصر معنابخش زندگی حرفه‌ای، فراروی از خود و تجارب معنوی، آزادی، خودمختاری و مسئولیت‌پذیری و اصالت ورزی اگر در کنار و امتداد عواملی چون اهمیت شغلی، تعهد و مرکزیت شغلی، دلبستگی شغلی، ابعاد محض و کاربردی هویت مشاور و مشاوره و جهت‌گیری حرفه‌ای در شغل قرار بگیرند موجبات رشد هویت شغلی را فراهم خواهند آورد که در عین حرفه‌ای بودن دارای تعهد و مرکزیتی توأم با دلبستگی سالم می‌باشد.

نتایج پژوهش ما بیان داشت که هر نوع هویتی و درواقع هر نوع پاسخی به سؤال من کیستم درحوزه‌ی حرفه و شغل ابتدا باید برای دارنده‌ی آن شغل به‌عنوان یک اهمیت در فرآیند زندگی به اثبات رسیده باشد، مشاور درواقع به لحاظ رسالت انسانی که دارد هویت شخصی و شغلی‌اش گره خورده‌اند و فراتر از آن از درون خود و از وجود خود به این شغل و مراجعان نفحاتی را می‌بخشد که نتایج مثبت و تغییردهنده‌ای برای مشاور و مراجع به دنبال دارد که البته این اهمیت در نتایج مشخص شد، ضمن اینکه تعلق شغلی با مسائل مالی گره‌خورده اما هرگز بدون دلبستگی شغلی این تعلق حاصل نمی‌شود. حاصل و نتیجه‌ی دلبستگی شغلی تعهد و مرکزیت شغلی است درواقع تعلق و تعهد به اصول علمی و اخلاقی و حتی صنفی ناشی از مرکزیت بخشی به هویت این حرفه‌ی یاری‌رسان در سپهر زندگی نومشاور است. چنانچه هویت پویا و چندجانبه در نومشاور حاصل شود نتایج آن در قالب موفقیت شغلی، رضایت شغلی و خشنودی درونی نمایان می‌شود.

در محدودیت‌ها و پیشنهادها این نکته اساسی است که در مورد سایر گرایش‌های روان‌شناسی و مشاوره تدوین چنین الگوهایی حائز اهمیت است و ایضاً خارج تهران نیز با توجه به بوم ساخت محلی این تحقیقات صورت پذیرد مفید فایده است اما تحقیقات هویت محور نیاز دارد که در طول زمان طویل بررسی شود که در عین محدودکننده بودن اما اساسی‌تر است.

سپاسگزاری

پژوهشگران مراتب قدردانی و تشکر خود را از کلیه شرکت‌کنندگان این پژوهش که با استقبال و بردباری، در روند استخراج نتایج همکاری نمودند، اعلام می‌دارند.

تعارض منافع

نویسندگان این مطالعه هیچ‌گونه تعارض منافی در انجام و نگارش آن ندارند. نویسنده مسئول، مسئولیت کامل داده‌ها، اطلاعات و نتایج پژوهش را عهده‌دار می‌باشد. این مقاله برگرفته از نتایج یک رساله دکتری تخصصی مشاوره است.

ORCID

Milad Saeidi

Hossein Keshavarz Afshar

Ebrahim Naeimi



<https://orcid.org/0000-0002-3467-0657>



<https://orcid.org/0000-0003-4519-2264>



<https://orcid.org/0000-0002-2582-1273>

منابع

- آزادی، زرغام؛ رباطی، محمد افشین (۱۳۹۷). فرهنگ سازمانی هویت و آموزش شغلی، انتشارات بهنام قلم. تهران.
- ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۸). روش تحقیق کیفی. انتشارات علم. تهران.
- اصل دهقان، فاطمه؛ پور شهریاری، مه سیم؛ مهراندیش، ندا (۱۴۰۰). تدوین مدل شکوفایی بر اساس خودکارآمدی با واسطه‌گری امید در مشاوران و روان‌شناسان. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۲(۴۶)، ۸۱-۱۰۸.
- امین بیدختی، علی اکبر؛ جعفری، سکینه؛ مرادی مقدم، مجید (۱۳۹۵). رابطه جامعه‌پذیری سازمانی و اشتیاق شغلی معلمان با نقش میانجی هویت سازمانی. مجله علمی «مدیریت سرمایه اجتماعی»، ۳(۴)، ۵۶۳-۵۸۲.
- پناهی، علی احمد (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل اثربخشی کاربست اصول و ضوابط اخلاقی در فرایند مشاوره. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۲(۴۶)، ۱-۲۲.
- حق‌شناس، سارا؛ ابوالمعالی الحسینی، خدیجه (۱۴۰۱). طراحی الگوی مفهومی تبیین موفقیت شغلی مشاوران مدارس. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۳(۴۹)، ۷۷-۹۴.
- حیدرنیا، احمد؛ کریمی، فهیمه؛ عباسی، هادی (۱۳۹۷). بررسی اثربخشی مشاوره گروهی مبتنی بر طراحی زندگی بر کاهش هویت شغلی مغشوش. مشاوره کاربردی، ۸(۱)، ۶۳-۷۸.
- سعیدی، میلاد (۱۳۹۹). بررسی مؤلفه‌های احساس امنیت روانی خانواده‌های ایرانی و آسیب‌شناسی آن در خرده نظام‌های خانواده و فرآیند رشدی فرزندان. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۱(۴۱)، ۲۱۱-۲۳۴.
- شاهمرادی، سمیه؛ زنده‌دل کلاتی، الهه؛ روشن، فائزه (۱۴۰۰). تجربه زیسته دانشجویان متأهل دانشگاه تهران از هم‌زمانی تحصیل و ازدواج: یک مطالعه پدیدارشناسی. روان‌شناسی فرهنگی، ۵(۲)، ۴۳-۶۲.
- شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۹۷). راهنمایی و مشاوره شغلی و نظریه‌های انتخاب شغل، انتشارات رشد، تهران، چاپ ۲۷.
- شهبازی، جواد، میرهاشمی، مالک؛ ابوالمعالی الحسینی، خدیجه (۱۴۰۱). رابطه سبک‌زندگی و نیازهای بنیادی روان‌شناختی با وابستگی به شبکه‌های اجتماعی با میانجیگری هوش هیجانی.

پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۲(۴۶)، ۱-۱۶.

کاظمیان، سمیه (۱۳۹۵). *توان‌بخشی و مشاوره خانواده*. انتشارات دانژه. تهران.

ناصری، مریم، حسین پور، رضا؛ شفیق آبادی، عبدالله (۱۳۹۹). اعتباریابی الگوی شایستگی‌های

مشاوران نظام. *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۵(۵۲)، ۴۵-۸۸

یالوم، الوین (۲۰۱۹) *روان‌درمانی اگزستانسیال*. ترجمه: حبیب، سپیده. (۱۳۹۷) نشر نی. تهران.

Erikson, E.h. (1980). *Identity routh and crisis*.New Yourk Norton.

Harvard Business School/<https://hbr.org/>. (2022).

Salley, Sheila Delores, "Premarital Counseling and Christianity: A Composition of Couples Intuition and Understanding as it relates to Marital Satisfaction" (2022). *Doctoral Dissertations and Projects*.<https://digitalcommons.liberty.edu/doctoral/3355>.

استناد به این مقاله: سعیدی، میلاد، کشاورز افشار، حسین، نعیمی، ابراهیم. (۱۴۰۲). بررسی کیفی هویت شغلی

مبتنی بر مؤلفه‌های وجودی مشاوران تازه کار خانواده، *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۴(۵۵)، ۳۳-۶۸.

DOI: 10.22054/QCCPC.2022.69656.2996



Counseling Culture and Psychotherapy is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.